



محتوای

دوره آموزش مدیران مدارس ابتدایی

طرح همسوسازی با برنامه درسی ملی

تهیه کنندگان:

دکتر فاطمه رضائی - میترا دانشور - احمد غلامحسینی - طیبه حمزه بیگی

دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی

پاییز ۹۰



	فهرست مطالب
۶	اهداف دوره:
۷	سخنی با همکاران
۸	بخش اول آشنایی با برنامه درسی ملی
۹	مقدمه
۱۰	فرایند تولید برنامه درسی ملی
۱۳	برنامه درسی ملی چیست؟
۱۴	تعریف برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
۱۴	همسوسازی با برنامه درسی ملی
۱۵	چگونگی تأثیر مبانی و اصول برنامه درسی ملی در مدیریت و رهبری آموزشی
۱۵	۱/۱- مبانی هستی شناختی
۱۶	۱/۲- مبانی انسان شناختی
۱۸	۱/۳- مبانی معرفت شناختی
۱۹	۱/۴- مبانی ارزش شناختی
۲۰	۱/۵- مبانی دین شناختی
۲۱	۱/۶- مبانی روان شناختی
۲۳	۱/۷- مبانی جامعه شناختی
۲۴	۱/۸- رویکرد برنامه درسی ملی
۲۵	۱/۹- اصول حاکم بر برنامه های درسی و تربیتی
۲۷	۲/۱- تعریف و سطوح اهداف
۲۸	۲/۲- هدف غایی نظام تعلیم و تربیت
۲۹	۲/۳- الگوی هدف گذاری و اهداف کلی

۳۲	۲/۶- اهداف تفصیلی (سطح قابل انتظار دستیابی به اهداف کلی)
۳۳	۲/۷- اهداف تفصیلی دوره‌های تحصیلی
۳۳	۲/۸- اهداف جزئی
۳۴	۳/۱- ساختار نظام آموزشی
۳۵	۳/۲- زمان رسمی تربیت در هر سال تحصیلی
۳۷	۳/۳- اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی و پرورشی
۳۹	۳/۴- صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
۴۱	۳/۵- حوزه‌های یادگیری و توزیع زمان
۴۲	۴- راهبردهای یاددهی-یادگیری
۴۲	۴/۱- پیش فرض‌ها
۴۲	۴/۲- تلقی نسبت به معلم و مربی
۴۳	۴/۳- تلقی نسبت به محیط یادگیری
۴۳	۴/۴- تلقی نسبت به مربی
۴۳	۴/۵- تلقی از مدیر مدرسه
۴۴	۴/۶- اصول حاکم بر راهبردهای یاددهی-یادگیری
۴۵	۵- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی
۴۵	۵/۱- پیش فرض‌ها
۴۶	۵/۲- اصول
۴۸	۵/۳- سیاست‌ها
۴۸	۶/۱- فرایند تولید برنامه‌های درسی و تربیتی
۴۸	۶/۲- اصول و سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری
۵۱	۶/۳- میزان اختیارات و کاهش تمرکز

۵۱	۷/۱- اصول حاکم بر اجرا
۵۲	۷/۲- تشکیلات
۵۳	بخش دوم: آشنایی با تغییرات برنامه درسی پایه اول
۵۴	مبنا و حدود تغییر کتاب‌ها
۶۳	نوع و میزان تغییرات دروس مختلف
۶۳	برنامه درسی قرآن
۶۴	برنامه درسی فارسی
۶۴	برنامه درسی تربیت بدنی
۶۵	برنامه درسی هنر
۶۵	برنامه درسی ریاضی
۶۶	برنامه درسی علوم
۶۹	بخش سوم طراحی آموزشی براساس نقش رهبری آموزشی مدیران
۷۰	مدیریت چیست؟
۷۳	متغیرهای کلیدی رهبری
۷۷	منابع و مآخذ

اهداف دوره:

از شرکت‌کنندگان دوره آموزش مدیران مدارس ابتدایی و کارشناسان انتظار می‌رود پس از گذراندن دوره، دانش، نگرش و مهارت‌های زیر را کسب کنند:

- آشنایی با مفهوم تحول و همسوسازی برنامه‌های درسی با برنامه درسی ملی
- آشنایی با مؤلفه‌های برنامه درسی ملی
- آشنایی با تغییرات برنامه‌های درسی پایه اول همسو با برنامه درسی ملی
- تغییر دیدگاه از مدیریت اجرایی به مدیریت و رهبری آموزشی
- توانایی طراحی مدیریت همسوسازی اجرای برنامه‌های درسی با برنامه درسی ملی در نقش‌های اساسی مدیریت و رهبری

سخنی با همکاران

جزوه حاضر در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول به آشنایی با برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت کشور از منظر تأثیر در عملکرد مدیران اختصاص دارد. در این بخش با مواردی چون مفهوم برنامه درسی ملی، فرایند تولید برنامه، مبانی، رویکرد، الگوی هدف‌گذاری، محتوای آموزشی و پرورشی و حوزه‌های یادگیری، راهبردهای یاددهی یادگیری (تلقی نسبت به یادگیری، یاددهنده، یادگیرنده، مدیر و ...) و راهبردهای ارزش‌یابی برنامه درسی ملی آشنا می‌شوید. در بخش دوم تغییرات برنامه‌های درسی آموزش قرآن، زبان و ادبیات فارسی، تربیت بدنی، ریاضی، علوم تجربی و هنر پایه اول ابتدایی همسو با برنامه درسی ملی به طور کلی و در حد نیاز مدیران محترم مدارس ارائه شده است. همکاران محترم برای اطلاعات بیشتر می‌توانند به CDهایی که در اختیار آموزگاران پایه اول قرار گرفته است، مراجعه کنند. بخش سوم تحت عنوان «طراحی آموزشی براساس نقش رهبری آموزشی مدیران»، با تأکید بر مفهوم رهبری آموزشی به چهار وظیفه اساسی مدیران و رهبران آموزشی یعنی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، پشتیبانی و نظارت و ارزش‌یابی پرداخته و نمونه‌ای از کار عملی با گزاره‌های برنامه درسی ملی و تأثیر آن در عملکرد سطوح مختلف مدیران آموزشی را ارائه داده است. از مدیران محترم انتظار می‌رود پس از پایان دوره اهدافی را همسو با برنامه درسی ملی در جهت توانمندسازی حوزه کاری خود برگزیده، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، پشتیبانی و شیوه نظارت و ارزش‌یابی آن را برای سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشخص و اجرا نمایند.

بخش اوّل

آشنایی با

برنامه درسی ملی

مقدمه

هر یک از نظام‌های آموزشی جهان جهت پیشبرد خواست‌ها و پاسخگویی به انتظارات جامعه تمهیدات خاصی اندیشیده‌اند. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز تحول بنیادین در نظام آموزشی از خواست‌های مردم، مسئولان و مقام معظم رهبری بوده است. بر این اساس ساختار نظام آموزشی و برنامه‌های آموزش و پرورش باید نیازهای یادگیری همه کودکان و نوجوانان را برای رسیدن به حیات طیبه برآورد. چاره این کار چیست؟ تغییر ساختار نظام آموزشی؟ تغییر اهداف، محتوا و روش‌های آموزشی؟ تغییر نیروی انسانی؟ تغییر رویکردهای مدیریتی؟ تغییر رسانه‌ها؟ یا همه این‌ها؟ تعمق در مفهوم تحول بنیادین، تغییر در دیدگاه‌ها براساس فلسفه تعلیم و تربیت و تغییر نگرش نسبت به عالم هستی و زندگی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در سند تحول راهبردی آموزش و پرورش که براساس فلسفه تربیت اسلامی تدوین شده است، تغییر در شش زیرنظام آموزش و پرورش به عنوان راه چاره مطرح شده است. این شش زیرنظام عبارتند از: برنامه درسی؛ رهبری و مدیریت تربیتی؛ تربیت معلم و منابع انسانی؛ فضا، تجهیزات و فناوری؛ تحقیق و ارزشیابی؛ تأمین و تخصیص منابع مالی. اکنون برنامه درسی ملی براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان اولین و مهم‌ترین سند از مجموعه اسناد تحولی زیرنظام‌های آموزش و پرورش تولید شده است.

تولید برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملی و بهره‌برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه پویای ایران اسلامی، الگوی تازه‌ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد و گامی مهم در راستای مستندسازی و کیفیت بخشی نظام تعلیم و تربیت کشور است. اهدافی که در تولید و تدوین برنامه درسی ملی کشور مد نظر بوده است، عبارتند از:

۱- تعیین رویکرد و اهداف برنامه درسی در سطح نظام آموزشی، دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های یادگیری؛

۲- تعیین منطق، جهت‌گیری‌ها و ابعاد هر یک از حوزه‌های یادگیری؛

۳- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند طراحی و تدوین برنامه درسی؛

۴- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند اجرای برنامه درسی؛

۵- تعیین اصول و سیاست‌های ناظر بر مواد و منابع آموزشی؛

۶- تعیین ساختار، اصول و فرایند ارزش‌یابی و اصلاح برنامه درسی؛

۷- تعیین و تبیین نظام برنامه‌ریزی درسی کشور.

فرایند تولید برنامه درسی ملی

بحث ضرورت تدوین برنامه درسی ملی در ایران از سال ۱۳۷۹، در پی تجربیات موفق برخی از کشورها در این خصوص، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آغاز شد. در سال‌های ۸۲ و ۸۳ به منظور آشنایی کارشناسان و صاحب‌نظران برنامه درسی چند کارگاه آموزشی با حضور اساتید کسورهای که در این حوزه تجربیاتی داشتند، از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار و این ضرورت که فرایند تولید برنامه‌های درسی از آغاز تا پایان باید تابع یک نقشه کلان و برنامه‌ای جامع‌تر به نام برنامه درسی ملی باشد، تقویت شد. همچنین نقدهای محافل علمی، کارشناسی و رسانه‌ای مبنی بر ناکارآمدی نظام کنونی تعلیم و تربیت کشور و ضرورت چاره‌جویی برای رفع

نارسائی‌های آن ضرورت تدوین برنامه درسی ملی جدید و تغییر برنامه‌های درسی را بیش از پیش آشکار کرد.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای رفع نارسائی‌ها و آسیب‌های موجود و تأمین مطالبات ملی، اقدام به مطالعات گسترده و عمیق نمود و به این نتیجه رسید که برای تغییر وضع موجود لازم است برنامه درسی ملی به طور منسجم و با نگاهی تحول‌گرایانه طراحی و تدوین شود. در حقیقت کارشناسان، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران به این نتیجه رسیدند که تدوین برنامه درسی ملی موجب خواهد شد خطّ مشی‌ها و سیاست‌های حوزه برنامه‌ریزی درسی به روشنی تبیین شود و از این‌رو، راهکار مناسبی برای پاسخگویی به مطالبات به حقّ آحاد جامعه و بویژه مطالبات مقام معظم رهبری و زمینه‌ساز ایجاد تحول در محتوای آموزش و پرورش خواهد بود. به این منظور شورای عالی آموزش و پرورش، طراحی و تولید برنامه درسی ملی کشور را در جلسه هفتصد و چهل و پنج مورخ ۸۶/۲/۴ تصویب و ابلاغ نمود. در پی ابلاغ مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و بر اساس ضرورت‌ها با مشارکت حوزه ستادی آموزش و پرورش و سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های کشور، طراحی و تولید برنامه درسی ملی برای تعیین و تبیین چارچوب نقشه کلان برنامه‌های درسی آغاز شد.

جهت تولید برنامه درسی ملی هفت کمیته تخصصی شامل: ۱. کمیته کلیات، اصول و مبانی، ۲. کمیته محتوای آموزشی و پرورشی و حوزه‌های یادگیری، ۳. کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و زمان، ۴. کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز، ۵. کمیته ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی - یادگیری، ۶. کمیته مواد، رسانه‌ها و محیط‌های یادگیری و ۷. کمیته ارزیابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی تشکیل شد و هر کدام از کمیته‌ها تدوین بخشی از سند برنامه درسی ملی را بر عهده گرفتند. همچنین بر اساس بخشنامه صادره از سوی وزیر محترم وقت آموزش و پرورش ۳۱

کمیته استانی نیز در سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های سراسر کشور تشکیل شد و بر اساس شرح وظایف مصوب اقدام به فعالیت نمود.

همچنین به منظور بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان و نیز کمیته‌های ستادی و استانی در ارتباط با ابعاد و جهت‌گیری‌های برنامه درسی ملی، جلسات کارشناسی، نشست‌های منطقه‌ای و سراسری و همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های متعددی در طی سال‌های ۸۵ تا ۸۷ برگزار شد که یافته‌های آن در جهت تدوین سند در اختیار کمیته‌های تخصصی قرار گرفت. کمیته‌های تخصصی نیز به نوبه خود برحسب موضوع کار، مطالعات گسترده‌ای را در زمینه آسیب‌شناسی وضع موجود، بررسی تجربه سایر کشورها و تبیین ابعاد علمی موضوع، با استفاده از نتایج تحقیقات به عمل آوردند.

برای تبیین ابعاد طرح و استفاده از یافته‌های علمی و پژوهشی در بخش‌های مختلف برنامه درسی ملی، شش عنوان طرح پژوهشی به شرح زیر تعریف و نسبت به اجرای آن توسط محققان اقدام شد.

مطالعات نظری، تطبیقی در حوزه آموزش و پرورش؛

بررسی مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی؛

بررسی مبانی روان‌شناختی برنامه درسی؛

بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه برنامه درسی؛

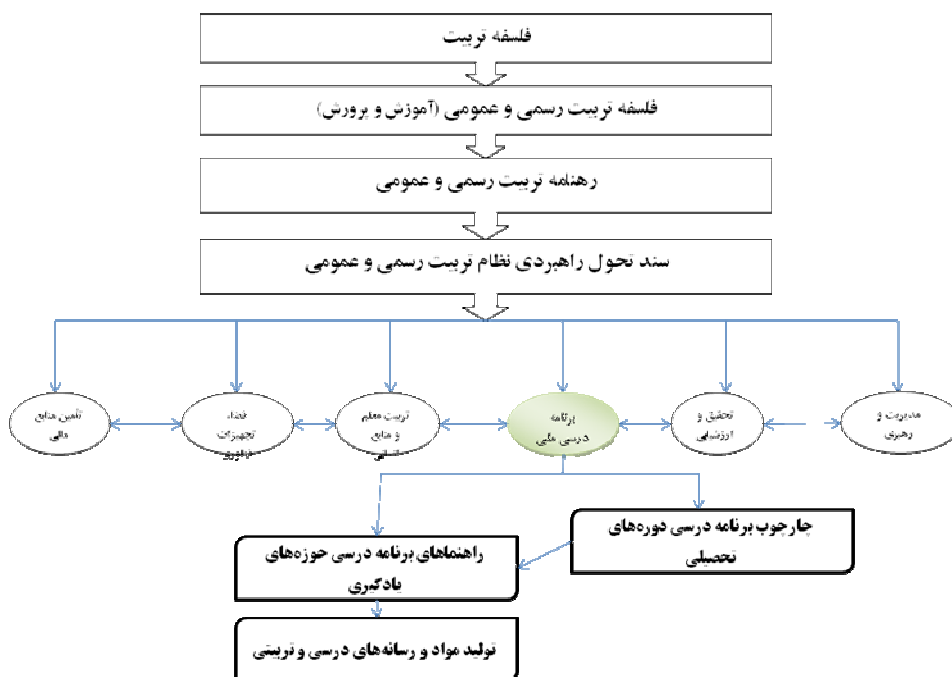
بررسی اسناد، مصوبات و دیدگاه‌های مسئولان عالی نظام در حوزه برنامه‌های درسی؛

بررسی تاریخچه و وضعیت موجود برنامه درسی در جهان و ایران.

حاصل این مطالعات، پژوهش‌ها و فعالیت‌ها به صورت نگاشت اول برنامه درسی ملی در اسفند ماه ۱۳۸۷ انتشار یافت. این نگاشت در معرض نقد و بررسی صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از اعمال

اصلاحاتی نگاشت دوم و سپس نگاشت سوم آن منتشر شد و نهایتاً نگاشت چهارم این سند در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ تدوین و به شورای عالی آموزش و پرورش جهت نقد و بررسی و تصویب ارائه شد.

نمایه جایگاه سند برنامه درسی ملی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش



برنامه درسی ملی چیست؟

برنامه درسی ملی معادل اصطلاح انگلیسی National curriculum است که در ادبیات برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده است و در اغلب کشورهایی که دارای برنامه درسی ملی هستند، منظور از آن، برنامه‌های درسی‌ای است که در کل کشور و در سطح ملی اجرا می‌گردد.

تعریف برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

برنامه درسی ملی سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید.

همسوسازی با برنامه درسی ملی

اجرای کامل برنامه درسی ملی مستلزم سیر مقدمات لازم از قبیل تصویب سند در شورای عالی آموزش و پرورش، تولید برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، اجرای ساختار و غیره است. با توجه به این که آخرین نگاشت برنامه درسی ملی هنوز مراحل تصویب نهایی را نگذرانده، نمی‌توان همه اجزا و عناصر آن را در یک مرحله به طور همه جانبه به اجرا گذاشت، در اولین مرحله با توجه به محدودیت زمانی و عدم آمادگی‌های لازم در بدنه اجرایی آموزش و پرورش می‌باید به اجرایی کردن بخش‌هایی از سند که بین دست‌اندرکاران متفق علیه بوده و لزوم اعمال آن‌ها در برنامه‌ها موجب ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری می‌شود، بسنده کرد. این برنامه تحت عنوان طرح همسوسازی با برنامه درسی ملی ارائه شده است. همسوسازی با برنامه درسی ملی عنوان جهت‌گیری و برنامه‌ریزی تغییرات برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی با برنامه درسی ملی به منظور بهره‌مند ساختن هر چه زودتر نظام آموزشی از ایده‌های کلیدی تحول بنیادین و آماده‌سازی برای تحول در آینده نزدیک است. طبعاً پس از تصویب نهایی برنامه و مشخص شدن مراحل اجرایی آن، می‌توان برای اجرایی کردن بقیه اجزای سند اقدام کرد.

چگونگی تأثیر مبانی و اصول برنامه درسی ملی در مدیریت و رهبری

آموزشی

مبانی فلسفی و اصول حاکم بر برنامه درسی ملی، برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، سند ملی آموزش و پرورش و مطالعات کمیته تخصصی کلیات است و بر دلالت‌های مهم زیر که باید نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی ملی را شکل دهد، تأکید می‌ورزد و بر عملکرد دست‌اندرکاران امر تربیت در دوره آموزش رسمی و عمومی از جمله برنامه‌ریزان، تولیدکنندگان مواد آموزشی، آموزگاران، اولیا و مدیران آموزشی در سطوح مختلف تأثیرگذار است. اجرای برنامه درسی ملی مستلزم همسویی همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش بویژه مدیران آموزشی در سطوح مختلف به عنوان یکی از اثرگذارترین عناصر در تحول می‌باشد. در آخرین نگاهش برنامه درسی ملی گزاره‌های متعددی در تبیین مبانی فلسفی و علمی مطرح شده است؛ برخی از آن‌ها به صورت مستقیم و صریح به نقش مدیران پرداخته‌اند و برخی نیز حاوی دلالت‌های ضمنی در این خصوص هستند. این مبانی به عنوان چتری بر عملکرد مدیران سایه می‌افکنند. در ذیل به نمونه‌هایی از گزاره‌ها و دلالت‌های آن‌ها (تلقی نسبت به یادگیری، یادگیرنده، یاددهنده، فرایند یاددهی-یادگیری، محیط و زمان یادگیری، تعریف علم، حوزه و موضوع یادگیری، نقش‌ها و وظایف) در امر برنامه‌ریزی اشاره می‌شود.

۱/۱- مبانی هستی‌شناختی

مقصود از مبانی هستی‌شناختی، مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی-تبیینی درباره حقیقت وجود و احکام کلی آن و نیز واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند. برخی از این گزاره‌ها عبارتند از:

۱/۱/۱ - هستی واقعیت دارد؛^۱

۱/۱/۲ - خداوند مبدأ و غایت هستی است؛

۱/۱/۳ - خداوند خالق جهان و مالک، مدبر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است؛

۱/۱/۴ - نظام آفرینش از حیات، شعور، قانون‌مندی، هدف‌مندی و هماهنگی برخوردار است؛

۱/۱/۵ - نظام آفرینش دارای مراتب شهود و غیب است و هر یک از این مراتب خود نیز دارای مراتبی است؛

۱/۱/۱۰ - نظام آفرینش، «فعل» و «آیت» خداوند است؛

۱/۱/۱۲ - جهان طبیعت و همه واقعیت‌های آن محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی‌اند؛

۱/۱/۱۳ - نظام آفرینش عرصه تربیت انسان است و مربی آن پروردگار متعال است؛

۱/۱/۱۴ - نظام آفرینش به طبیعت خلاصه نمی‌شود؛

۱/۲- مبانی انسان‌شناختی

مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی-تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم

^۱ جهت فراهم ساختن امکان ردیابی و جستجوی سریع‌تر و دقیق‌تر گزاره‌ها در آخرین نگاشت برنامه درسی ملی، گزاره‌های منتخب با همان شماره‌های این نگاشت درج شده‌اند.

سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

۱/۲/۱ - انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛

۱/۲/۲ - حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛

۱/۲/۳ - انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛

۱/۲/۴ - انسان در نظام آفرینش از کرامت الهی و یکسان برخوردار است؛

۱/۲/۵ - انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که می‌تواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و بر اساس انتخاب خویش می‌تواند هویت خویش را تعریف کند؛

۱/۲/۸ - انسان موجودی است که استعدادهای متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم دارد؛

۱/۲/۱۰ - انسان موجودی اجتماعی، تأثیرپذیر از جامعه و تأثیرگذار بر آن است ؛

۱/۲/۱۱ - هویت انسان، برآیند نوع ارتباط او با خویشتن، خدا، خلق و خلقت است؛

۱/۲/۱۵ - انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و با انتخاب احسن خویش موقعیت موجود را به سوی موقعیت مطلوب تغییر دهد؛

۱/۲/۱۷ - انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در برابر دیگران مسئولیت دارد؛

۱/۲/۱۹ - سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است؛

۱/۲/۲۵ - انسان از استعداد و توان نامحدودی برای رسیدن به مراتبی از عبودیت و حیات طیبه برخوردار است؛

۱/۲/۲۷ - انسان موجودی است یادگیرنده، تربیت‌پذیر و برخوردار از ظرفیت نامتناهی رشدیابندگی؛

۱/۳- مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز گشته است.

۱/۳/۱- انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود در آن توانایی دارد؛

۱/۳/۲- علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛

۱/۳/۳- منابع شناخت آدمی متعدد است که شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، طبیعت، جامعه و تاریخ است؛

۱/۳/۴- علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛

۱/۳/۵- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است؛

۱/۳/۸ - علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، ویژگی پویایی دارد.

۱/۳/۹ - شناخت آدمی با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس، التزام به عادات و سنت‌های غلط نیاکان، خودباختگی در برابر بزرگان و قدرتها و نیز محدودیت‌هایی چون میزان ظرفیت و توان فرد و ناتوانی عقل نسبت به درک بخشی از حقایق هستی همراه است؛

۱/۳/۱۰ - علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛

۱/۳/۱۱ - ابزار شناخت و معرفت عبارت‌اند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب).
شایان ذکر است که در این میان، تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد؛

۱/۳/۱۲ - علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛

۱/۳/۱۳ - تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.

۱/۴- مبانی ارزش شناختی

مقصود از مبانی ارزش‌شناختی گزاره‌هایی درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌های چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت است.

منابع و ویژگی ارزش‌ها

۱/۴/۱- دین (عقل و فطرت، قرآن و سنت) منبع همه ارزش‌هاست و سایر ارزش‌ها از آن کسب اعتبار می‌کند؛

۱/۴/۲ - ارزش‌های حقیقی (معتبر) مفاهیم و گزاره‌هایی‌اند که با تکیه بر واقعیت‌های مربوط

به عمل آدمی و نتایج آن، ارزش‌گذاری شده‌اند؛

۱/۴/۴ - ارزش‌ها دو دسته‌اند: ثابت (مطلق) و غیرثابت (مشروط و متغیر)؛

۱/۴/۸ - دستیابی به حیات طیبه تنها بر اساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه به نظام

معیار که ارزش‌های مقبول دین حق است، امکان‌پذیر می‌باشد؛

۱/۴/۹ - تحقق حیات طیبه، همه ابعاد فردی و جمعی زندگی انسان از جمله رعایت توازن و

اعتدال را در همه ابعاد شامل می‌شود؛

۱/۵ - مبانی دین‌شناختی*

این دسته از مبانی به مباحثی درباره شأن و جایگاه دین اسلام و مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه درسی اشاره دارد. بیان این گزاره‌ها از آن جهت ضروری است که آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) - به عنوان دین حق - در همه اجزا و عناصر برنامه درسی از جمله مقاصد غایی تربیت انسان، طرز تلقی نسبت به تربی، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی-یادگیری، جایگاه معلم و مربی، مواد آموزشی و شیوه ارزش‌یابی کاربرد دارد؛

* مبانی فلسفی و علمی تعلیم و تربیت اسلامی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروه اول مبانی فلسفی هستند که از منابع دینی الهام گرفته و شامل بخش‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است و گروه دوم مبانی علمی هستند که از دانش‌ها و یافته‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی سرچشمه می‌گیرد. مبانی فلسفی به مانند ملاک و معیاری برای قضاوت و گزینش نظریه‌های علمی در تعلیم و تربیت عمل می‌نماید. بیان جداگانه مبانی دین‌شناختی که بر اساس منابع معتبر تدوین شده است، صرفاً به مباحثی درباره دین (نظیر چیستی و جرایب و جایگاه دین در زندگی و نسبتی که انسان با آن دارد، نحوه فهم دین، قلمرو دین و ارتباط آن با سایر معارف و ...) می‌پردازد.

۱/۵/۱- اسلام مجموعه‌ای است به هم پیوسته و منسجم از عقاید، معارف، نظام‌ها، احکام فردی و

اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی که انسان را در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و

خلقت، حول محور ارتباط با خدا راهبری کرده و او را به سعادت جاویدان می‌رساند؛

۱/۵/۲- اسلام، راه و روش زندگی بر مبنای دستورهای الهی است که مبتنی بر عقل، قرآن، سنت و

عترت پیامبر علیهم‌السلام است و در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی در راستای حیات طیبه

به بشریت ارائه شده است؛

۱/۵/۵- اسلام جهت هدایت فرد و جامعه در ابعاد عقلانی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی،

اقتصادی، سیاسی، علمی و عملی، به دنبال تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خدا است؛

۱/۵/۷- مقصد نهایی حکومت در اسلام، زمینه‌سازی جهت رشد و شکوفایی فطرت الهی انسان به

منظور دستیابی به کمال فردی و نیز گسترش عدالت و تشکیل تمدن اسلامی در راستای

ظهور و تشکیل دولت عدل جهانی است؛

۱/۵/۱۲- متعالی‌ترین لایه هویتی انسان، هویت توحیدی است که فراتر از مرزبندی‌های جنسیتی،

قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد؛

۱/۵/۱۴- تهذیب نفس و تقوا موجب افزایش ظرفیت روحی و یادگیری انسان و دستیابی به

توانمندی‌های معنوی می‌شود؛

۱/۵/۱۵- خانواده، یکی از مهم‌ترین ارکان در تربیت فرزندان است و بر تعامل عاطفی والدین با

فرزندان تأکید شده است؛

۱/۵/۱۷- مربی جایگاه محوری در تحقق اهداف تربیتی دارد و به مثابه الگوی هدایت‌کننده مربی، ادامه‌دهنده راه انبیا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف آن‌ها قلمداد می‌شود؛

۱/۶ - مبانی روان‌شناختی

مبانی روان‌شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است و به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۶/۳ - فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنج‌گانه ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و عقلانی می‌رسد؛

۱/۶/۶ - رشد تفکر در متربیان مبتنی بر نظامی از منطق درونی است که از طریق سازماندهی و سازگاری مربی با تجارب جدید رشد می‌یابد؛

۱/۶/۷ - رشد ایمانی حاصل تفکر و معرفت، وابستگی عاطفی و باورهای قلبی و اراده و تصمیم‌گیری است؛

۱/۶/۸ - رفتار عبارت است از مطلق حرکت انسان که عمل، بخشی از آن است؛

۱/۶/۹ - عمل، رفتار آگاهانه و ارادی مبتنی بر مبانی و علل و عواملی مانند: علل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است؛

۱/۷- مبانی جامعه شناختی

مبانی جامعه شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از مبانی جامعه شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است. این بخش به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۷/۱- جامعه «مربک حقیقی» است (نه اعتباری) و دارای روح جمعی متأثر از اندیشه‌ها، انگیزه‌ها، عاطفه‌ها، رفتارها و خواسته‌های افراد است؛

۱/۷/۴- برنامه درسی به دنبال ایجاد رابطه تعاملی با جامعه و استعلای فردی و اجتماعی است؛

۱/۷/۶- برنامه درسی ملی باید به ایجاد تعادل و توازن در جامعه و آگاه کردن متربیان در ایفای نقش مسئولانه در جامعه کمک نماید؛

۱/۷/۸- نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بخش فرهنگ است و با سایر نهادها در ارتباط متقابل می‌باشد و وظیفه دارد ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛

۱/۷/۱۱- اصلاح و ارتقاء فرهنگ جامعه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های برنامه درسی است؛

۱/۷/۱۴- زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها توسط آحاد جامعه، عامل رشد اجتماعی است؛

۱/۸- رویکرد برنامه درسی ملی

۱/۸/۱ - رویکرد برنامه درسی ملی، «روح حاکم» بر همه عناصر برنامه و «جهت‌گیری کلی» آن برنامه را نشان می‌دهد؛

۱/۸/۲ - رویکرد برنامه درسی ملی عبارت است از: «فطرت‌گرایی توحیدی»^۱؛

۱/۸/۳ - حاکمیت این رویکرد در برنامه درسی ملی به معنای زمینه‌سازی لازم و مناسب جهت شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به مراتبی از نفس مطمئنه از طریق درک و استفاده مطلوب از موقعیت^۲ در راستای تحقق حیات طیبه است؛

۱/۸/۴ - رویکرد برنامه درسی ملی برگرفته از مبانی و دارای ویژگی‌های زیر است:

۱/۸/۴/۱ - نگاه جامع و کاملی به انسان می‌نماید و رشد ابعاد جسمانی و روحانی او را مدّ نظر دارد؛

۱/۸/۴/۲ - زمینه‌ساز شکوفایی فطرت الهی انسان است؛

۱/۸/۴/۳ - زمینه رضایت پروردگار را از انسان و رضایت انسان را نسبت به اراده تشریعی و تکوینی الهی فراهم می‌نماید؛

^۱ منظور از بیان رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی: تقویت، توسعه و شکوفایی گرایش‌های الهی در انسان نظیر خداپرستی، حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضیلت خواهی، زیبایی‌گرایی، ابداع، خلاقیت و ... در انسان است که در نتیجه تربیت و کوشش فردی (ایمان، علم، عمل صالح و تقوا) به فعلیت می‌رسد. (فلسفه تربیت، صفحات ۲۵ و ۲۶)

^۲ منظور از موقعیت، وضعیت و نسبت مشخص و پویای فرد به عنوان عنصری آگاه، آزاد و فعال با گستره جهان هستی (جامعه، طبیعت و ماوراء طبیعت) و خداوند متعال به عنوان مبداء و منتهای هستی است که موجب تغییر مداوم مرتبه وجودی آدمی و تحول وجه جمعی هویت می‌گردد. (فلسفه تربیت، صفحه ۳۲)

۱/۸/۴/۴ - محتوای برنامه سعی دارد با نگاهی جامع به انسان در چهار عرصه ارتباط با خود،

خدا، خلق و خلقت در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی، دستیابی به حیات طیبه و

زمینه رشد همه‌جانبه تربی را فراهم نماید؛

۱/۸/۴/۵ - تربی را امانت الهی می‌داند؛

۱/۸/۴/۶ - خداوند متعال را مربی اصلی می‌داند و معلم وظیفه دارد در راستای خواست مربی

عالم هستی، متربیان را هدایت نماید؛

۱/۸/۴/۷ - کل نظام هستی را محیط یادگیری می‌داند؛

۱/۸/۴/۸ - به بهره‌گیری از روش‌های متنوع مانند: تعقل، تجربه، بحث و گفت‌وگو، عبرت‌آموزی،

جدال احسن، تهذیب نفس و غیره تأکید دارد. در این رابطه شایسته است که روش‌ها بر

مبنای عقل، وحی، کارآمدی در عمل، موقعیت، شرایط مخاطب، ارزش‌ها، اصول و اهداف

تربیت اسلامی انتخاب شود؛

۱/۸/۴/۹ - بر ارزیابی بیرونی و خودارزیابی تأکید دارد و ارزیابی بیرونی را زمینه‌ساز خودارزیابی

می‌داند؛

۱/۹- اصول حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی

اصول در برنامه درسی ملی، گزاره‌هایی تجویزی مشتمل بر قواعد کلی و مشترک به مثابه ملاک و

معیارهای اساسی و هنجاری ناظر به هدایت و سیاست‌گذاری و مدیریت برنامه درسی ملی و برنامه‌های

درسی و تربیتی است که به منظور تحقق اهداف از مبانی نظری و اسناد فرادستی استنباط می‌شود.

۱/۹/۱ - اصل دین محوری

مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) باید بر تمامی اصول، رویکردها، اهداف، محتوای برنامه‌ها و روش‌های درسی و تربیتی حاکم باشد و این اصل بر سایر اصول نیز حاکم است.

۱/۹/۲ - اصل تقویت هویت ملی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه ارتقاء هویت ملی را از طریق توجه و تقویت باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و استقلال ملی و انسجام اسلامی فراهم نماید و تلاش کند که هویت متربیان را به سطح هویت الهی ارتقاء دهد.

۱/۹/۳ - اصل اعتبار نقش محوری معلم و مربی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش محوری معلم و مربی در رهبری تربیتی برای مقدم کردن تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال سازی مربی در فرایند یادگیری، ترغیب متربیان نسبت به یادگیری به صورت مستمر توجه نماید و زمینه‌های لازم برای ارتقاء صلاحیت‌های اخلاقی، علمی و حرفه‌ای معلمان و مربیان را فراهم سازد.

۱/۹/۴ - اصل جامعیت

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای کنونی و آینده مربی و جامعه در سطوح محلی، ملی و جهانی و در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فناوری و... در راستای سند چشم‌انداز و سیاست‌های مصوب با استفاده از تجارب ملی و جهانی به گونه‌ای جامع و متعادل توجه کند.

۱/۹/۵ - اصل توجه به تفاوت‌ها

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به تفاوت‌های محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کرده و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۱/۹/۶ - اصل توازن و تناسب

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط، در بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای مختلف و متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها پای‌بند باشد.

۱/۹/۷ - اصل خود یادگیری مادام‌العمر

برنامه‌های درسی و تربیتی باید توان، انگیزش و زمینه‌های لازم و مناسب را جهت خودیادگیری و خودسازی مادام‌العمر برای متربیان و نیز برای معلمان و مربیان فراهم کند.

۱/۹/۸ - اصل مشارکت و تعامل

فرایند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت مؤثر خانواده‌ها، معلمان، مربیان، متربیان، مدارس و سایر نهادهای فرهنگی، علمی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ویژه دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسانه‌ها را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نماید.

۲/۱- تعریف و سطوح اهداف

اهداف در برنامه درسی ملی، ویژگی‌ها و مختصات مطلوب و مورد انتظار برون‌داد نظام آموزش و پرورش را تبیین می‌کند و ضمن سامان بخشی به برنامه‌های درسی و تربیتی، چارچوب جهت‌گیری انتخاب و سازماندهی محتوا، روش‌های یادگیری، منابع و ارزش‌یابی را نیز تعیین می‌نماید. اهداف در چهار سطح به شرح زیر تعریف می‌شوند:

۲/۱/۱ - هدف غایی: همان هدف غایی نظام تعلیم و تربیت است که برگرفته از فلسفه حیات در دیدگاه اسلام است.

۲/۱/۲ - اهداف کلی: اهدافی است برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی که فراتر از شرایط زمانی و مکانی تعیین می‌شود. اهداف کلی چارچوب تعیین اهداف تفصیلی و اهداف جزئی را مشخص می‌کند.

۲/۱/۳ - اهداف تفصیلی دوره‌های تحصیلی: این اهداف، حدّ قابل انتظار از اهداف کلی را در چارچوب الگوی هدف‌گذاری برای متریان در آموزش و پرورش رسمی و عمومی و در دوره‌های تحصیلی مختلف، تعیین می‌کند و متناسب با نیازهای مراحل رشد متریان، اقتضائات اجتماعی و یافته‌های معتبر علمی-پژوهشی است.

۲/۱/۴ - اهداف جزئی: این اهداف برای حوزه‌های یادگیری و یکایک برنامه‌های درسی و تربیتی و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی بر اساس اهداف تفصیلی و در جهت دستیابی به آنها، با توجه به نیازها و شرایط متفاوت موضوعات درسی مختلف، متریان، امکانات، اقتضائات منطقه‌ای و بومی تعیین می‌شود.

۲/۲- هدف غایی نظام تعلیم و تربیت که الهام‌بخش و جهت‌دهنده اهداف کلی و تفصیلی است،

به بیان‌های گوناگون عبارت است از:

"دستیابی متربی به مراتبی از قرب الی الله، خلافت الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه".

۲/۳ - الگوی هدف‌گذاری و اهداف کلی

۲/۳/۱ - الگوی هدف‌گذاری، چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای است که در تدوین اهداف در سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان قرار می‌گیرد و شامل پنج عنصر: تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق در چهار عرصه ارتباط متربی با خود، خدا، خلق و خلقت است که این ارتباطات در ذیل و ظل ارتباط با خدا تعریف و تبیین می‌شود.

در حقیقت، این برنامه به دنبال تربیت افرادی متفکر، عاقل، اندیشه‌ورز، مؤمن و دارای باور عمیق و جدی نسبت به حقایق هستی و خداوند متعال، معاد و نبوت، اهل «علم، آگاهی و معرفت»، «عمل، کار، خلاقیت، کارآفرینی و مجاهدت» و «اخلاق، ملکات فاضله نفسانی، رفتار اخلاقی درست» می‌باشد. این ویژگی‌ها در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت ذیل ارتباط با خدا تحقق پیدا می‌کنند. این الگو همچنین برای ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

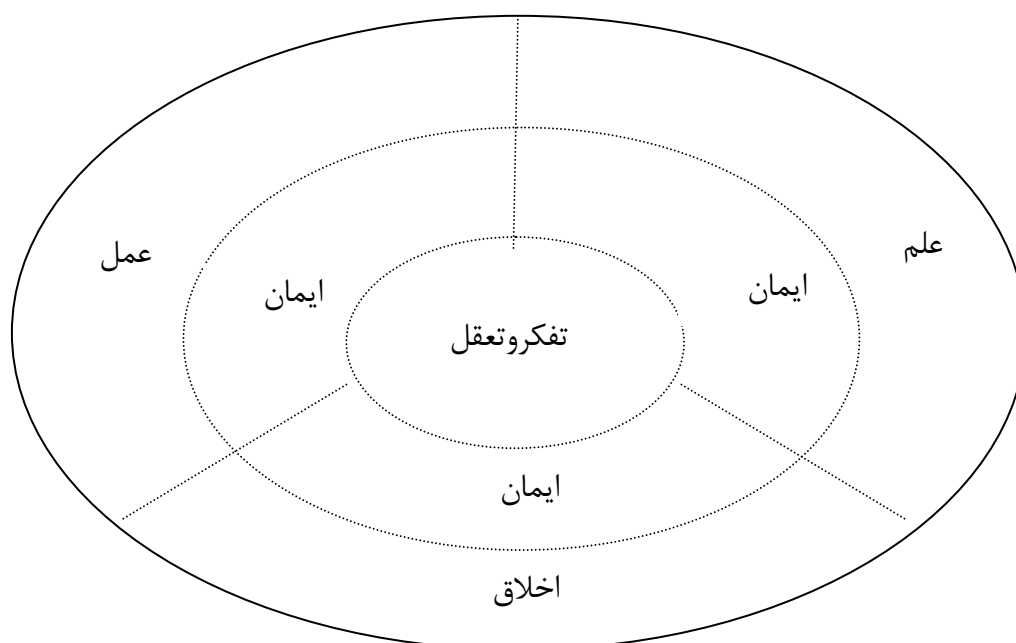
<p>رابطه با خلقت (طبیعت و)</p> <p>(با محوریت رابطه با خدا)</p>	<p>رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها) (با محوریت رابطه با خدا)</p>	<p>رابطه با خدا</p>	<p>رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خدا)</p>	<p>عرصه‌ها عناصر</p>
				تفکر و تعقل
				ایمان و باور مبتنی

				بر تفکر
				علم، معرفت و آگاهی
				عمل
				اخلاق (رفتارهای اخلاقی + ملکات نفسانی)

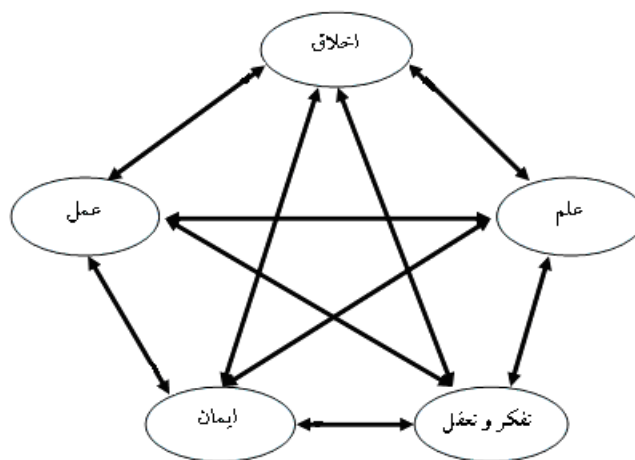
۲/۳/۲ - در میان عناصر پنج‌گانه، عنصر تفکر و تعقل از جایگاه نخست و محوری و عنصر ایمان و

باور مبتنی بر تفکر، از جایگاه دوم برخوردار است و سه عنصر علم، عمل و اخلاق به عنوان عناصر

برخاسته از تفکر و ایمان و یا متکی بر آن دو، تعریف و تبیین می‌شوند؛



۲/۳/۳ - عناصر پنج‌گانه اهداف کلی در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرایند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط تربیتی می‌توانند سرآغاز سیر تربیتی مربی باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند؛



۲/۳/۴ - با توجه به حقیقت نفس آدمی، هر کدام از عناصر پنج‌گانه اهداف کلی می‌تواند حاوی سایر عناصر و یا زمینه تحقق و تعمیق آن‌ها باشد و هم‌پوشانی مصداقی این عناصر، نشان‌دهنده وحدت این عناصر در عین کثرت و کثرت آن‌ها در عین وحدت است؛

۲/۳/۵ - باتوجه به این‌که تربیت عبارت از تکوین و تعالی هویت متربیان است، هویت متربیان براینده ارتباط آنان با خدا، خود، خلق و خلقت با محوریت رابطه با خدا می‌باشد. این عرصه‌ها به گونه‌ای جامع،

یکپارچه و منطقی کلیه ساحت‌های تربیتی^۱ را دربرمی‌گیرد. عناصر پنج‌گانه اهداف کلی، در این چهار عرصه ارتباطات و کلیه ساحت‌های تربیتی بروز و ظهور می‌یابند.

۲/۶- اهداف تفصیلی (سطح قابل انتظار دستیابی به اهداف کلی)

انتظار می‌رود متربیان در طی دوره ۱۲ ساله تحصیلات مدرسه‌ای در زمینه هر یک از عناصر اهداف کلی پنج‌گانه مذکور در الگوی هدف‌گذاری، در حد رشد و توان خود به صلاحیت‌های زیر دست یابند:

۲/۶/۱- تعقل، تفکر و اندیشه‌ورزی :

۲/۶/۱/۳- تفکر در صفات و آیات خداوند متعال و معارف الهی و درک زیبایی‌های طبیعت؛

۲/۶/۲- ایمان و باور:

۲/۶/۲/۶- ایمان به ارزش و هدف‌مندی خلقت و قانون‌مندی آن و باور به زیبایی‌های جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛

۲/۶/۳- علم و معرفت :

۲/۶/۳/۲- معرفت به حق تعالی و صفات و افعال و آیات الهی و معارف دینی و منابع آن؛

۲/۶/۳/۸- درک پدیده‌ها، رویدادها و قوانین جهان آفرینش در قلمروهای علوم انسانی، علوم تجربی و علوم دینی و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها.

^۱ ساحت‌های تربیتی با ملاک‌های مختلفی قابل طبقه‌بندی است، ولی بر اساس سند تحول راهبردی، صفحه ۱۵، ساحت‌های زیستی عبارتند از: دینی و اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، زیستی و بدنی، هنری و زیباشناختی، اقتصادی و حرفه و علمی و فناوری.

۲/۶/۴ - عمل، کار، تلاش و مجاهدت :

۲/۶/۵ - اخلاق (تزکیه، عاطفه و ملکات نفسانی):

۲/۶/۵/۵ - ارزشمند دانستن مطالعه و پژوهش، یادگیری مستمر و مادام‌العمر و خودیادگیری؛

۲/۷ - اهداف تفصیلی دوره‌های تحصیلی

برای دستیابی برنامه‌ریزان و تولیدکنندگان محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی به اهداف تفصیلی دوره‌ها به‌گونه‌ای سازمان‌یافته و منسجم و بر مبنای نیازها، تمایلات، انتظارات و توانمندی‌های متربیان، این اهداف برای هر دوره تعیین می‌شود^۱:

۲/۸ - اهداف جزئی

۲/۸/۱ - اهداف جزئی بر اساس اهداف کلی و تفصیلی و در جهت دستیابی به آن‌ها با توجه به شرایط و اقتضائات زمانی، اجرایی، بومی و منطقه‌ای تعیین می‌شوند.

۲/۸/۲ - در تعیین اهداف جزئی، مدرسه، خانواده و خود متربیان می‌توانند مشارکت داشته باشند.

۲/۸/۳ - رعایت توازن و تناسب در توجه به عناصر و عرصه‌های الگوی هدف‌گذاری در هنگام تعیین اهداف جزئی باید مدّ نظر برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران و مجریان قرار داشته باشد.

۲/۸/۴ - هر فعالیت درسی و تربیتی آن‌گاه موجّه و معتبر است که نسبت آن با اهداف کلی و تفصیلی و نقش آن در تحقق هر کدام از آن‌ها واضح و مستند باشد.

^۱ شایان ذکر است که برای هر محور از اهداف، آن هدف در مهم‌ترین و برجسته‌ترین وجه خود در جدول، جای گرفته است و ارتباط به‌هم‌تنیده خانه‌های جدول در تحلیل اهداف باید لحاظ شود.

۳/۱- ساختار نظام آموزشی

۳/۱/۱ - ساختار نظام تحصیلی آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مصوبات مرجع مسئول و اسناد بالادستی تعیین شده است؛

۳/۱/۲ - دوران تحصیل رسمی و عمومی، در نظام آموزش و پرورش شامل دوره عمومی مرکب از دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه و دوره نیمه تخصصی شامل دوره دوم متوسطه خواهد بود. به طوری که در پایان دوره دوم متوسطه به متربیان مدرک دیپلم اعطا می شود؛

۳/۱/۳ - سن شروع دوره ابتدایی، ۶ سال تمام خواهد بود. برنامه درسی سه سال اول و سه سال دوم این دوره با توجه به توانایی متربیان و لحاظ تفاوت های آنان تدوین می شود.

۳/۱/۳/۱ - سن شروع دوره پیش دبستان، ۴ سال تمام خواهد بود. برنامه این دوره برای مناطق دوزبانه و مناطق محروم الزامی و برای سایر مناطق اختیاری بوده، توسط سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ارائه خواهد شد^۲ و با توجه به ویژگی های کودکان منعطف و سیال است. البته میزان حضور نواآموزان در مراکز پیش دبستانی انعطاف پذیر بوده و بنا به شرایط و نیاز آنها و به تشخیص مرکز مربوطه تعیین خواهد شد؛

۳/۱/۴ - مشاوره و هدایت تحصیلی در همه مراحل تحصیلی لازم است که مورد توجه قرار گیرد.

۱- ساختار نظام آموزشی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه متأثر از ویژگی های خاص آنها خواهد بود و مقررات ویژه چگونگی آن را مشخص می کند.

۲- مراجعه شود به راهنمای دوره پیش دبستان مصوب جلسه شماره ۷۷۰ شورای عالی آموزش و پرورش و راهکار ۹/۳ سند تحول راهبردی.

۳/۲- زمان رسمی تربیت در هر سال تحصیلی

۳/۲/۱ - تربیت امری مستمر، دائمی و تعطیل‌ناپذیر است؛ با توجه به الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی و جامعیت اهداف آموزشی و پرورشی، دستیابی به اهداف در فرایندی مستمر قابل تحقق است. از این‌رو، زمان تربیت در کل طول سال و استفاده منطقی از فرصت تابستان، با رعایت اقتضائات منطقه‌ای و اجرایی توزیع می‌شود؛

۳/۲/۳ - زمان تربیت شامل دو نوع رسمی و غیررسمی است. زمان رسمی تربیت به دو بخش کلاسی و غیرکلاسی تقسیم می‌شود؛

۳/۲/۴ - زمان رسمی کلاسی زمانی است که به طور عمد و ترجیحاً در کلاس و مدرسه اجرا می‌شود، حضور در آزمایشگاه و کارگاه جزء زمان رسمی کلاسی به شمار می‌آید؛

۳/۲/۵ - زمان رسمی غیرکلاسی، زمان انجام فعالیت‌هایی است که به طور عمد و ترجیحاً خارج از کلاس و مدرسه برگزار می‌شود. در مواردی استثنایی اجرای این فعالیت‌ها می‌تواند در مدرسه اما به گونه‌ای متفاوت از نوع آموزش‌های کلاسی برگزار شود. ورزش در حیاط و سالن مدرسه، تماشای فیلم در مدرسه، برگزاری جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ، برگزاری مراسم ویژه در مدرسه، مطالعه در کتابخانه مدرسه از نوع فعالیت‌های غیرکلاسی به شمار می‌آیند. بخشی از زمان رسمی غیرکلاسی با برنامه‌ریزی معاونت پرورشی و تربیت بدنی در طول تابستان و بنا به اقتضائات منطقه‌ای و تصمیم مدرسه به اجرا گذاشته خواهد شد؛

۳/۲/۷ - برنامه صبحگاه، نماز جماعت مدرسه و زنگ تفریح اگر چه جزء برنامه رسمی مدرسه محسوب می‌شوند، اما از زمان رسمی آموزش کسر نمی‌شود؛

۳/۲/۹- در راهنمای برنامه درسی حوزه‌های یادگیری در مورد چگونگی طراحی برنامه، محتوا، آموزش و ارزش‌یابی فعالیت‌های غیرکلاسی در هر حوزه، تعیین تکلیف می‌شود؛

۳/۲/۱۰- سازماندهی و تهیه مقررات اجرای برنامه‌ها در زمان رسمی غیرکلاسی برعهده معاونت پرورشی و تربیت بدنی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و معاونت آموزش ابتدایی و متوسطه است؛ جز در مواردی که در برنامه درسی و تربیتی حوزه‌های یادگیری مختلف، تعیین تکلیف شده است؛

۳/۲/۱۱- چگونگی اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی ساعات رسمی غیرکلاسی با توجه با ملاحظه اقتضات دوره‌های تحصیلی، جنسیت و ویژگی‌های متریان و شرایط و امکانات، متفاوت خواهد بود؛

۳/۲/۱۲- از نمونه فعالیت‌های رسمی غیرکلاسی^۱ و فعالیت‌های غیررسمی^۲ می‌توان مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه‌ها، کانون‌های تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه‌ها، دارالقرآن‌ها و ...)، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی، مطالعه کتاب و روزنامه و ... را نام برد؛

۳/۲/۱۳- بنا به رویکرد کاهش تمرکز در برنامه درسی ملی، بویژه ضرورت پاسخگویی به نیازها و اقتضات ملی و محلی، برنامه‌ریزی و تأمین محتوا برای بخشی از زمان رسمی تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود که این زمان می‌تواند به دو صورت کلاسی و غیرکلاسی در چارچوب آئین‌نامه‌های ابلاغی برنامه‌ریزی و اجرا شود؛

۱. منظور فعالیت‌هایی است که با برنامه‌ریزی و نظارت مدرسه انجام می‌شود.
۲. فعالیت‌هایی است که بدون نظارت مدرسه و به صورت داوطلبانه تربیتی در آن شرکت می‌کند. در هدایت این نوع از فعالیت‌ها نهاد خانواده، دولت و یا سایر نهادها می‌توانند نقش هدایتی بر عهده گیرند. (سند تحول راهبردی)

- ۳/۲/۱۴- ساعاتی که در اختیار استان، منطقه و مرکز آموزشی قرار می‌گیرد، با توجه به شرایط محلی و مدرسه‌ای بین استان، منطقه و مدرسه، به فعالیت‌های درسی و تربیتی اختصاص خواهد یافت؛
- ۳/۲/۱۵- حداکثر ۵۰ درصد از زمان اختصاص یافته به استان، منطقه و مدرسه می‌تواند به صورت کلاسی برگزار شود؛
- ۳/۲/۱۶- حداقل ۲۰ درصد زمانی که در اختیار استان و منطقه است، باید به مدرسه اختصاص یابد تا با همکاری اولیاء متربیان، برنامه‌ریزی و اجرا شود؛
- ۳/۲/۱۷- تعیین سهم هریک از حوزه‌های یادگیری از زمان رسمی (کلاسی و غیرکلاسی) و نیز عناوین درسی آن در چارچوب برنامه درسی ملی به پیشنهاد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و تصویب شورای عالی آموزش و پرورش است؛
- ۳/۲/۱۸- با توجه به رویکرد مدرسه زندگی و مبانی و اصول برنامه درسی ملی، مدیریت مدرسه حداکثر تلاش خود را برای هدایت و غنی‌سازی زمان غیررسمی تربیت که در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه اجرا می‌شود، مبذول می‌دارد؛
- ۳/۲/۱۹- برای طراحی و اجرای برنامه‌ها در زمان رسمی غیرکلاسی، به‌خصوص بخشی از برنامه‌ها که در تابستان اجرا می‌شود، حداکثر بهره‌برداری از مشارکت دستگاه‌های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و ... به عمل می‌آید؛

۳/۳- اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی و پرورشی

محتوای برنامه درسی و تربیتی در بین عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. از طریق محتواست که نظام آموزشی و پرورشی به طور مستقیم با هویت متربیان مرتبط می‌شود و آثار مورد نظر را در نگرش، دانش، رفتار، انگیزه‌ها و شخصیت آنان بر جا می‌گذارد.

لذا با رعایت اصول عام حاکم بر برنامه درسی ملی (۱/۹)، اصول مورد تأکید در انتخاب و سازماندهی محتوا براساس مبانی به شرح زیرند. این اصول معیارهایی‌اند که علاوه بر انتخاب محتوا در سطح برنامه درسی ملی، معیارهای اساسی انتخاب و سازماندهی محتوای سطوح بعدی برنامه‌ریزی را نیز مشخص می‌سازند.

۳/۳/۱ - درونی‌سازی

انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی و پرورشی برنامه درسی ملی و برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری باید فرصت کسب تجربیات جدیدی که موقعیت‌متری را نسبت به موقعیت قبلی بهبود و توسعه می‌دهد، فراهم سازد. تجربیات تدارک دیده شده باید در عرصه علم، عمل و اخلاق به صورت یکپارچه و به هم پیوسته ارائه شود تا زمینه کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت مبنایی یعنی تفکر، تعقل و ایمان را فراهم کند.

۳/۳/۲ - ارتباط چندوجهی و یادگیری یکپارچه

انتخاب و سازماندهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که متریان را برای ارتباطات چهارگانه با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا و حتی‌الامکان در اشکال مختلف تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم، کار و عمل و تلاش و اخلاق به صورت یکپارچه رشد دهد. لذا سازماندهی محتوا در حوزه‌های یادگیری باید ضمن لحاظ قلمرو هر حوزه، امکان یکپارچگی یادگیری را فراهم سازد.

۳/۳/۳ - اولویت صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک که در قالب عناصر پنج‌گانه اهداف کلی طبقه‌بندی می‌شوند، باید در سازماندهی محتوای برنامه درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری حضور و بروز داشته و چگونگی تحقق آن‌ها در مراحل گذر و دوره‌ها به وضوح مشخص شوند.

۳/۳/۴ - تنوع و تعدد منابع، روش‌ها و فرصت‌های یادگیری

از آن‌جا که ظرفیت وجودی متربیان با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک در فرایند کسب و توسعه ظرفیت‌های وجودی به شیوه متفاوت (سبک‌های یادگیری و شناختی و ...) عمل می‌کنند، لذا در انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی، باید فرصت‌های متنوعی برای متربیان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت جهت به‌کارگیری راهبردهای آموزش و ارزش‌یابی و منابع متعدد و متنوع یادگیری (مواد و رسانه‌های آموزشی، فضا و اشخاص) فراهم شود. این تنوع باید تفاوت‌های جنسیتی و اجتماعی را نیز لحاظ کند.

۳/۳/۱۰ - آستانه ارتقاء قابلیت اجرا

در انتخاب و سازماندهی محتوا باید به زمان رسمی تربیت، منابع، ظرفیت‌های حرفه‌ای کارکنان، قوانین و مقررات در حد آستانه ارتقاء آن‌ها توجه داشت.

۳/۴ - صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک، آن دسته از یادگیری‌هایی‌اند که همه خروجی‌های آموزش و پرورش باید بتوانند به گونه‌ای به آن‌ها دست یابند؛ لذا در همه حوزه‌های یادگیری حضور دارند و بین آن‌ها پیوند برقرار کرده و در همه عناصر برنامه نمود و بروز پیدا می‌کنند.

نکات کلیدی تعریف:

• همه متربیان متناسب با توانایی خود باید به آن‌ها دست یابند.

• در همه حوزه‌های یادگیری حضور دارند.

- بین حوزه‌های یادگیری پیوند برقرار می‌کنند.
- در همه عناصر برنامه شامل اهداف، محتوا، روش‌های آموزش و روش‌های ارزش‌یابی نمود و بروز پیدا می‌کنند.

این صلاحیت‌ها و یادگیری‌ها براساس عناصر پنج‌گانه الگوی هدف‌گذاری به شرح زیر می‌باشند:

عناصر	صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
تفکر و تعقل	تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسش‌گری، کاوش‌گری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت براساس نظام معیار (تعقل)، تأمل در خود، خود ارزش‌یابی
ایمان و باور	نگرش توحیدی، کرامت و قدرت اراده و انتخاب انسان، ارزشمندی تفکر و تعقل، ارزشمندی مخلوقات، هدفمندی خلقت، ارزشمندی علم و علم‌جویی، ارزشمندی نهاد خانواده، وطن‌دوستی
علم	کشف جهان به عنوان فعل خداوند، خودآگاهی، فرهنگ و هویت
کار و عمل و مجاهدت	یادگیری مستمر، خود مدیریتی، انجام واجبات و ترک محرمات، مشارکت، همیاری، مهارت کار با دیگران، مهارت‌های ارتباطی، مهارت رهبری، مطالعه و پژوهش، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید محصول
اخلاق و آداب	حفظ و پالایش انگیزه‌ها(نیت)، خودپایی و خودپالایی، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای، پشتکار، نظم و قانون‌مداری، صدق، صبر، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، حسن خلق، احسان و رافت، قناعت، استقامت و حیا

۳/۵- حوزه‌های یادگیری و توزیع زمان

۳/۵/۱- حوزه‌های یادگیری بستر اصلی برای تسهیل فرایند تعلیم و تربیت، جهت دستیابی به اهداف برنامه درسی ملی می‌باشند. هر یک از حوزه‌های یادگیری گستره و محدوده دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با یادگیری متربیان پیش دبستان تا پایان دوره متوسطه را توصیف می‌کنند. این حوزه‌ها حدود محتوایی و روش‌ها و فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند.

۳/۵/۲- حوزه‌های یادگیری شامل یادگیری‌های ضروری بوده و در یازده حوزه پیش‌بینی شده‌اند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط داشته و عناوین موضوعات درسی در دوره‌ها و سطوح لزوماً معادل عناوین حوزه‌ها نخواهد بود.

۳/۵/۳- ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط با عناصر و عرصه‌های الگوی هدف‌گذاری و اهداف کلی برنامه درسی ملی، هم‌خوانی با اسناد فرادستی، هماهنگی با اصول انتخاب و سازماندهی محتوا به خصوص اصل اولویت یادگیری‌های مشترک، اصل سودمندی (توجه به نیازها) و اصل آستانه ارتقاء قابلیت اجرایی برنامه و تأثیرپذیری از ساختار دانش، تجارب بین‌المللی و توافق کارشناسی بوده است.

۳/۵/۴- عناوین حوزه‌های یادگیری عبارت‌اند از:

- تفکر و حکمت،
- قرآن و معارف اسلامی،
- زبان و ادبیات فارسی،
- فرهنگ و هنر،
- کار و فن‌آوری،

- سلامت و تربیت بدنی،
- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی،
- ریاضیات،
- علوم تجربی،
- زبان‌های خارجی،
- آداب و مهارت‌های زندگی.

۴- راهبردهای یاددهی-یادگیری

۴/۱- پیش فرض‌ها

۴/۱/۱- فرایند یاددهی-یادگیری فرایندی است که طی آن، عناصر پنج‌گانه اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی می‌تواند در عناصر چهارگانه و ساحت‌های گوناگون تربیت تحقق یابد.

۴/۱/۳ - هر مربی فطرتاً یادگیرنده‌ای منحصر به فرد قلمداد می‌شود و یادگیری او در فرایندی مستمر و مادام‌العمر جریان می‌یابد.

۴/۲- تلقی نسبت به معلّم و مربی:

۴/۲/۲ - معلّم و مربی نقش راهنما و راهبری یادگیری را بر عهده دارد و متربیان را با منابع یادگیری آشنا می‌کند.

۴/۲/۷ - معلّم و مربی می‌کوشد تا موانع یادگیری را از سر راه یادگیرندگان بردارد و آن‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کند.

۴/۳ - تلقی نسبت به محیط یادگیری

۴/۳/۱ - گرچه مدرسه و فضای آموزشی و پرورشی آن مانند: کلاس درس، کارگاه، آزمایشگاه، نمازخانه، مکان‌های ورزشی و نظایر آن به مثابه محیط‌های یادگیری پایه و اصلی به شمار می‌آید، ولی یادگیری صرفاً به محیط مدرسه منحصر نشده و محیط‌های خارج از آن مانند: فرهنگسراها، پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، مساجد، موزه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، کانون‌های فرهنگی و تربیتی، فضاهای اردوگاهی، کتابخانه‌های عمومی، مراکز صنعتی و کشاورزی و موقعیت‌های طبیعی را نیز در بر می‌گیرد.

۴/۳/۴ - محیط مدرسه خانه دوم متربیان تلقی می‌شود، به گونه‌ای که در آن فعالیت‌های یاددهی - یادگیری زمینه تحقق اهداف درسی و تربیتی را فراهم می‌کند و امکانات و تجهیزات آن در جهت تحقق «مدرسه زندگی» ساماندهی و مدیریت می‌شود.

۴/۴ - تلقی نسبت به تربی

۴/۴/۱ - تربی در فرایند یاددهی - یادگیری نقش فعال داشته و خود دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های خویش را تعیین می‌سازد.

۴/۴/۲ - در فرایند یاددهی - یادگیری، به قابلیت‌ها، تجربیات فراگیر و ظرفیت‌های گوناگون یادگیرنده توجه می‌شود.

۴/۴/۳ - در فرایند یاددهی - یادگیری، یادگیرنده خود یادگیرنده مادام‌العمر است که پیوسته در حال یادگیری می‌باشد.

۴/۵ - تلقی از مدیر مدرسه

۴/۵/۲ - مدیر رهبر آموزشی و تربیتی است.

۴/۵/۴- مدیر مدرسه در سازماندهی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از اختیارات کافی برخوردار است.

۴/۵/۵- مدیر مدرسه، در مقام راهنمای آموزشی و تربیتی به معلمان، مربیان، متریان و اولیای دانش آموزان در فرایند یاددهی- یادگیری کمک می‌کند.

۴/۵/۶- مدیر مدرسه مسئول برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی متریان برای زمان رسمی تربیت است.

۴/۵/۷- مدیر مدرسه در کنار معلم، تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز یادگیری است و در این خصوص مسئولیت دارد.

۴/۵/۸- مدیر تسهیل‌کننده موقعیت‌های آموزشی و پرورشی است. مدیر در اداره امور مدرسه و برقراری روابط صحیح، عاطفی و مثبت بین کارکنان و مربیان با متریان نقش دارد. وی باید با ایجاد کردن محیطی آکنده از صمیمیت موجب شود تا معلم با دلگرمی و آرامش به فعالیت‌های آموزشی و تربیتی ادامه دهد.

۴/۶- اصول حاکم بر راهبردهای یاددهی-یادگیری

۴/۶/۱- راهبردهای یاددهی- یادگیری باید یادگیری را در عرصه‌های روابط انسان با خویشتن، خدا، خلق و خلقت- حول محور رابطه با خدا- تحقق بخشد.

۴/۶/۲- راهبردهای یاددهی-یادگیری باید زمینه را برای خودراهبری در یادگیری، درک اهداف، یادگیری همیارانه و توانایی خودارزش‌یابی فردی و گروهی فراهم سازد.

۴/۶/۳- راهبردهای یاددهی- یادگیری باید زمینه تحقق اهداف یادگیری را در عناصر تفکر، ایمان، اخلاق، علم و عمل فراهم آورد.

۴/۶/۹- هر معلم و مربی در جایگاه خود باید آفریننده راهبردهای یاددهی- یادگیری باشد.

۴/۶/۱۴- معلم و مربی باید برای دستیابی به راهبردهای یاددهی- یادگیری اثربخش، از کمک‌های والدین، اولیاء مدرسه و سایر عوامل آموزشی و غیرآموزشی، ذی‌نفعان و اعضای جامعه محلی بهره بگیرد.

۴/۶/۱۵- راهبردهای یاددهی- یادگیری تنها به کلاس درس و مدرسه محدود نمی‌شود و در مکان‌های دیگر مانند آزمایشگاه، کارگاه، میادین ورزشی و ... می‌تواند صورت گیرد.

۴/۶/۱۶- نهاد خانواده باید به عنوان شریک و پشتیبان مدرسه، زمینه مناسب را برای فعالیتهای مربوط به تقویت و تثبیت آموخته‌های مدرسه فراهم آورد.

۴/۶/۱۷- راهبردهای یاددهی- یادگیری باید با ویژگی‌های جسمی، عقلی، عاطفی و اجتماعی متربیان در هر یک از دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی هم‌خوانی داشته باشد.

۵- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

۵/۱- پیش فرض‌ها

۵/۱/۱- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، فرایند جامعی است که از طریق افراد ذی‌مدخل در فرایند یاددهی-یادگیری (مانند: مربی، برنامه‌ریز یا ارزش‌یابان و متربی) با بهره‌گیری از شیوه‌های متفاوت (مانند: ارزش‌یابی تشخیصی، ارزش‌یابی تکوینی، ارزش‌یابی مجموعی) و با استفاده از ابزارهای گوناگون (مانند: انواع آزمون‌های کتبی، شفاهی، عملی، خودارزش‌یابی، سیاهه مشاهده رفتار و ارزش‌یابی توسط همتایان) صورت می‌گیرد و با توجه به نتایج آن در مورد پیشرفت تحصیلی و میزان تحقق اهداف

برنامه‌های درسی و تربیتی در متربیان و تغییرات ناشی از فرایند یاددهی- یادگیری براساس الگوی هدف‌گذاری درسی و تربیتی برنامه درسی ملی، قضاوت می‌شود.

۵/۱/۲ - ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر اهداف کلی برنامه درسی، استانداردهای آموزشی، اهداف جزئی برنامه‌های درسی، انتظارات یادگیری و سطوح مختلف حیطه‌های یادگیری، تجربیات و روش‌های یاددهی- یادگیری است.

۵/۱/۳ - ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند یاددهی-یادگیری قلمداد می‌شود و یکی از اهداف مهم آن اصلاح و بهبود عوامل مؤثر بر فرایند یاددهی-یادگیری است.

۵/۲- اصول

۵/۲/۱ - ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی به صورت جامع با بهره‌گیری از انواع روش‌ها و ابزارهای متناسب با سطوح یادگیری، ضمن نشان دادن تصویری از توانایی‌ها و ضعف‌های یادگیرندگان، میزان تحقق اهداف برنامه‌های درسی را نشان دهد.

۵/۲/۲ - ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی باید به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی- یادگیری تلقی شود.

۵/۲/۳ - نتایج ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی باید به رشد حرفه‌ای معلم و مربی و بهبود برنامه درسی منجر شود.

۵/۲/۴ - از آن‌جا که یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت یادگیرنده از خود است، نتایج ارزش‌یابی باید به درک یادگیرنده از نقاط قوت و ضعف خود بینجامد.

- ۵/۲/۷ - نتایج ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید به تصمیم‌گیری برای تدارک برنامه‌های اصلاحی - ترمیمی یا غنی‌سازی یادگیری منجر شود.
- ۵/۲/۸ - ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید مشخص‌کننده میزان صلاحیت‌های به دست‌آمده، متناسب با اهداف برنامه درسی توسط متربیان باشد.
- ۵/۲/۹ - ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید با توجه به اهداف و محتوای برنامه درسی برآیند کاملی از یادگیری متربیان را مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار دهد.
- ۵/۲/۱۱ - شناسایی موانع یادگیری و کاهش آن‌ها یکی از اهداف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است و لازم است که نتایج ارزشیابی در خدمت ارتقاء یادگیری متربیان قرار گیرد.
- ۵/۲/۱۲ - روش‌ها، فنون و راهبردهای مورد استفاده در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید متناسب با اهداف مورد انتظار برنامه درسی باشد، به گونه‌ای که در نهایت بتواند میزان تحقق اهداف برنامه را نشان دهد.
- ۵/۲/۱۳ - فرایندهای ناشی از ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید از پایایی و ثبات لازم برخوردار باشند.
- ۵/۲/۱۴ - نتایج رسمی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید اطلاعاتی را فراهم کند که برای تمام معلمان، مربیان، مدیران مدرسه، کارشناسان نظام آموزشی، متربیان و والدین واضح و قابل درک باشد.
- ۵/۲/۱۵ - ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید به گونه‌ای انجام شود که مربی، متربیان و والدین در آن مشارکت داشته باشند.

۵/۳- سیاست‌ها

۵/۳/۵ - ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی فرایندی مشارکتی است که با کمک مربی، مربی، اولیای مدرسه و یا ارزش‌یابان بیرونی انجام می‌شود.

۵/۳/۱۲ - در جریان ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، قضاوت نهایی درباره عملکرد مربی به عهده مدرسه است.

۶/۱- فرایند تولید برنامه‌های درسی و تربیتی

۶/۱/۲ - به منظور تعیین اهداف هر حوزه یادگیری، علاوه بر تحلیل اهداف تفصیلی و بیانیه حوزه یادگیری، انجام نیازسنجی در سطح منطقه‌ای، ملی و فراملی و نیز توجه به یافته‌های علمی و پژوهشی ضروری است.

۶/۲- اصول و سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری

مواد و رسانه‌های یادگیری، کلیه ابزارها و وسائل ارتباطی است که برای تحقق اهداف برنامه‌ها و پیشرفت تحصیلی متربیان ابداع شده یا به کار گرفته می‌شوند و کاربرد آن‌ها می‌تواند فرایند یاددهی - یادگیری را مؤثرتر و پایدارتر و تحقق یادگیری معنادار را آسان‌تر سازد. این مواد عبارت‌اند از: بسته آموزشی، نرم‌افزارهای آموزشی، طبیعت، شبکه‌های آموزشی (مانند اینترنت)، مولتی مدیا، دستگاه‌ها، اجسام و اشیاء مختلف، کتاب درسی، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، مجلات و کتاب‌ها و غیره.

۶/۲/۱- اصول

در طراحی محتوا، تولید و کاربست مواد و رسانه‌های آموزشی علاوه بر ۸ اصل اساسی حاکم بر برنامه درسی ملی (بند ۱/۹) و اصول حاکم بر انتخاب و سازماندهی محتوا (بند ۳/۳)، راهبردهای یاددهی - یادگیری (بند ۴/۶) و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی (بند ۵/۲) به اصول زیر باید توجه شود:

۶/۲/۱/۱- اصل بهره‌گیری از بسته‌های آموزشی باز: تنوع منابع یادگیری، توجه به رویکرد برنامه‌محوری، رویکرد چندرسانه‌ای را به جای آموزش به شیوه تک‌رسانه‌ای ایجاب می‌کند و لازم است که بخش دولتی و غیردولتی با همکاری یکدیگر به فکر تنوع‌بخشی به منابع یادگیری مختلف اعم از مکتوب و یا الکترونیکی برای معلمان، مربیان و متربیان باشند. یک بسته آموزشی ممکن است شامل منابع متنوعی از قبیل: کتاب دانش‌افزایی، کتاب راهنما و لوح‌های نوری فشرده آموزشی و یا تصویر آموزشی، کتابچه کار و تمرین، نمونه‌هایی از اشیای سه بعدی کوچک یا حتی جعبه‌های کوچک آزمایشی و تعدادی ابزار و غیره باشد.

۶/۲/۱/۲- اصل بومی‌گرایی: نظام آموزش و پرورش و بخش غیردولتی شایسته است که حداکثر تلاش خود را در تولید مواد و رسانه‌های یادگیری با بهره‌گیری از دانش و فناوری بومی به کار گیرند و در صورت نیاز مبرم به واردات برخی از مواد و رسانه‌های یادگیری، از نظرات کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بهره‌گیری نمایند و حتی المقدور تلاش نمایند که با الهام از وسایل وارداتی برای بومی‌سازی آن‌ها اقدام نمایند.

۶/۲/۱/۴- اصل یادگیری فعال: مواد و رسانه‌ها باید با اتکا به مفروضات یادگیری فعال (در برابر یادگیری انفعالی، مکانیکی و القایی) طراحی و تولید شود.

۶/۲/۱/۹- اصل شمول: در کنار استفاده از مواد و رسانه‌های مصنوع، باید به کاربرد طیف مواد و رسانه‌ها از جمله مواد و رسانه‌های طبیعی یا غیرمصنوع در فرایند تعلیم و تربیت نیز اهمیت داده شود.

۶/۲/۲ - سیاست‌ها

۶/۲/۲/۱- توانمندسازی مدرسه برای ایفای نقش اصلی و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره‌برداری از مواد و رسانه‌ها، مراکز و منابع متنوع یادگیری؛

۶/۲/۲/۳- زمینه‌سازی برای مشارکت سراسری معلمان، مربیان، متربیان و افراد و تشکلهای ذی‌علاقه و ذی‌صلاح در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد، منابع و محیط‌های متنوع یادگیری و توسعه سیاست چندتألیفی؛

۶/۲/۲/۴- بسترسازی برای بسط و توسعه تجارب معلمان و مربیان در طراحی، ساخت و ارزشیابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری؛
۶/۲/۲/۵- برقراری پیوند عمیق میان مدارس، معلمان و مربیان پژوهنده بر اساس علائق مشترک و تبادل تجارب و امکانات در مواد و منابع یادگیری؛

۶/۲/۲/۶- بهره‌برداری، توسعه و تقویت مراکز و منابع یادگیری خارج از مدرسه (به‌ویژه جامعه محلی)؛

۶/۲/۲/۷- توزیع مواد و منابع بر اساس اصل عدالت بین مدارس سراسر کشور و متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها؛

۶/۲/۲/۸- راه‌اندازی سامانه مدیریت مواد، رسانه‌ها، مراکز و منابع یادگیری در سطح استان و کشور به منظور رصد میزان استفاده مدارس از مواد و رسانه‌ها و منابع، تبادل تجارب و ابتکارات مدارس و مناطق آموزشی با یکدیگر، ثبت حقوق ناشی از ابتکارات (مالکیت معنوی)، نیازسنجی و ارزشیابی، سنجش اثربخشی مواد و منابع و تأسیس مراکز منابع یادگیری در سطح مدرسه، منطقه و استان.

۶/۳- میزان اختیارات و کاهش تمرکز

- ۶/۳/۱ - برنامه درسی ملی، حرکت از نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز به سمت کاهش تمرکز در همه مراحل را با حفظ مصالح ملی و با روشی مطمئن و تدریجی مورد تأکید قرار می‌دهد؛
- ۶/۳/۳ - حداکثر تا ۲۰ درصد از ظرفیت کل برنامه‌های درسی از طراحی و تولید برنامه‌ها و مواد و رسانه‌های آموزشی به صورت کلی یا جزئی به استان‌ها واگذار می‌شود؛
- ۶/۳/۴ - آموزش و پرورش استان‌ها برای انجام طراحی این بخش، از مشارکت مناطق و مدارس استفاده خواهد کرد؛

با توجه به این‌که برنامه درسی ملی در راستای تحول بنیادی طراحی شده است، تغییر در ابعاد گسترده و وسیعی در نظام آموزشی را شامل می‌شود، لذا می‌باید متناسب با سطح تغییرات شرایط اجرایی لازم برای تحقق اهداف آن فراهم شود.

۷/۱- اصول حاکم بر اجرا

- ۷/۱/۱- برخورداری از عزم ملی و حمایت و پشتیبانی تمامی دستگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها در درون و بیرون از آموزش و پرورش؛

- ۷/۱/۲- تهیه برنامه‌ای جامع، فراگیر و بلندمدت برای پیش‌بینی کلیه اقدامات و فعالیت‌های بخش‌های مختلف در درون و بیرون وزارت آموزش و پرورش به گونه‌ای هماهنگ و هم‌سو؛

- ۷/۱/۳- پرهیز از شتابزدگی و توجه به اقتضائات اجرایی در سطوح مختلف؛

- ۷/۱/۴- ایجاد تقویت احساس تعلق و مشارکت کلیه مجریان - در سطوح مختلف - در دستیابی به اهداف و استانداردهای برنامه درسی ملی؛

۷/۱/۵- تدارک برنامه رشد حرفه‌ای بلندمدت استاندارد برای گروه‌های درگیر در سطوح مختلف؛

۷/۱/۶- ایجاد فرصت‌های متنوع و راهکارهای مختلف برای کمک به مجریان جهت ارتقاء سطح

عملکرد مدارس در اجرای برنامه درسی ملی؛

۷/۱/۷- ارزیابی مستمر فرایند اجرای برنامه درسی ملی از سوی ستاد اجرا و مراکز مستقل و رسمی

و تصمیم‌گیری و اقدامات مناسب در سطوح مختلف.

۷/۲- تشکیلات

۷/۲/۱- استان‌ها

۷/۲/۱/۱- پیش‌بینی و به‌کارگیری کارشناسان مناسب در زمینه نوآوری‌های آموزشی، پژوهش و

برنامه‌ریزی درسی در سطح معاونت‌های پژوهشی استان‌ها برای هدایت و ساماندهی بخش غیر متمرکز

برنامه درسی و مواد و رسانه‌ها و مراقبت از حسن اجرای برنامه‌های درسی؛

۷/۲/۱/۲- همکاری و هماهنگی گروه‌های آموزشی با بخش برنامه‌ریزی درسی استان در جهت

مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی و تولید

بخش دوم
آشنایی با
تغییرات
برنامه درسی پایه اول

مبنا و حدود تغییر کتابها

در برنامه درسی ملی محورهای متعددی برای تغییر پیش‌بینی شده است که اجرای یک باره آن‌ها به صورت همزمان امکان‌پذیر نیست و می‌باید به تدریج عملیاتی شوند. پرورش قوه تفکر، آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، توجه به آموزه‌های اخلاقی، اهمیت دادن به کار و فناوری و تقویت هویت دینی و ملی از محورهایی است که در نخستین گام مورد توجه قرار گرفته‌اند و سعی شده است در حد امکان و متناسب با اقتضائات هر درس، به آن‌ها توجه شود.

ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت به عنوان یکی از محورهای اصلی تغییرات کتاب‌های

پایه اول

بر اساس دیدگاه برنامه درسی ملی، مدرسه یک نهاد پویای اجتماعی است و کارکرد اساسی آن، توجه دادن متربی‌ان به درک رابطه با خود، خدا، جامعه و مسائل خلقت است. این بدان معناست که برنامه‌های درسی و تربیتی مدارس نه تنها باید نسلی را تربیت کند که از توانایی‌های شخصی برخوردار بوده و فطرت خود را در مقابل آلودگی‌ها حفظ کنند؛ بلکه باید نسلی را تربیت کند که جامعه و فرهنگ اسلامی-ایرانی آن را درک کند، مسائل آن را بشناسد و در برابر آن احساس مسئولیت کند و از قدرت تفکر و ایمان و نیز معلومات، مهارت‌های ضروری برای زیستن در جهان آینده برخوردار باشند.

گزاره‌های ذیل در این خصوص در برنامه درسی ملی آمده است:

۲/۳/۵ - باتوجه به این که تربیت عبارت از تکوین و تعالی هویت متربیان است، هویت متربیان براینند ارتباط آنان با خدا، خود، خلق و خلقت با محوریت رابطه با خدا می باشد. این عرصه ها به گونه ای جامع، یکپارچه و منطقی کلیه ساحت های تربیتی* را دربرمی گیرد. عناصر پنج گانه اهداف کلی، در این چهار عرصه ارتباطات و کلیه ساحت های تربیتی بروز و ظهور می یابند.

۲/۳/۶ - کلید واژه های الگوی هدف گذاری اجمالاً به شرح زیر تبیین می شوند:

۲/۳/۶/۱ - ارتباط: نوع تعامل و داد و ستدی که بین فرد با عرصه های چهارگانه برای تبلور عناصر پنج گانه برقرار می شود؛

۲/۳/۶/۲ - خدا: صفات و افعال خدا، پیامبران و اولیاء الهی، کتاب خدا و دین خدا؛

۲/۳/۶/۳ - خود: ابعاد جسمانی و روحانی؛

۲/۳/۶/۴ - خلق: خانواده، همسایگان، جامعه محلی، جامعه ملی، جامعه اسلامی و جامعه جهانی اعم از دوست و دشمن؛

۲/۳/۶/۵ - خلقت: طبیعت (زمین، آب، محیط زیست و ...) و ماوراء طبیعت (حیات ابدی، جهان آخرت، ملائکه و ...)

آنچه در پی می آید، خلاصه تغییرات برنامه های درسی پایه اول ابتدایی در همسویی با برنامه درسی ملی است.

* ساحت های تربیتی با ملاک های مختلفی قابل طبقه بندی است، ولی بر اساس سند تحول راهبردی، صفحه ۱۵، ساحت های زیستی عبارتند از: دینی و اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، زیستی و بدنی، هنری و زیباشناختی، اقتصادی و حرفه و علمی و فناوری.

محتوای دوره آموزشی مدیران - طرح همسوسازی با برنامه درسی ملی

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروسی پایه‌ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
عناصر الگوی هدف‌گذاری (صلاحیت‌های مشترک) خصوصاً تفکر	<p>- افزودن پیام‌های قرآنی</p> <p>- ارائه محتوا در قالب هفت موضوع و سازماندهی محتواى هر یک از درس‌ها پیرامون یک موضوع؛ از جمله شروع کارها با نام خدا، سلام کردن، نیکی کردن به پدر و مادر، شکر و سپاس نعمت‌های خداوند</p>	<p>توجه به پرورش قوهٔ تعقل و تفکر و ارتقای مهارت حل مسئله</p> <p>توجه به پرورش خلاقیت در برنامه</p>	<p>تغییر رویکرد عام برنامه از فرهنگی و تربیتی به رویکرد شکوفایی فطرت الهی</p> <p>ایجاد ایستگاه‌هایی برای فکر کردن</p>	<p>توجه به رویکرد فرهنگی-تربیتی در ارتباط با یادگیری</p> <p>توجه به شایستگی محوری در برنامه</p> <p>استفاده از رویکرد زمینه محور در سازمان‌دهی محتوا</p>	<p>- ارائه یازده بازی در قالب الگوی هدف‌گذاری</p>	<p>تدارک بستری برای شکوفایی فطرت زیبا، زیبایسند و زیباجوی کودکان</p> <p>توجه به صلاحیت‌های مشترک در سایه تربیت هنری</p> <p>تأکید بیشتر بر تفکر و تعقل</p>

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروس پایه ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
<p>عرصه‌های ارتباطی (ارتباط با خدا، خود، خلقت و خلق)</p>	<p>- ارائه داستان‌های قرآنی (داستان‌هایی از قرآن و داستان‌هایی درباره قرآن)</p> <p>- گفت‌وگو دانش‌آموزان درباره تصاویر درس</p> <p>- فعالیت‌های یادگیری (نمایش خلاق، نمایش، ...)</p>	<p>- ارائه کتاب در قالب ۲۵ لوحه (بیان یک موضوع شناختی و معرفتی در هر لوحه)</p> <p>- ارائه مسائل اخلاقی در کتاب</p>	<p>- تأکید بر عرصه‌های ارتباطی در برنامه‌های درسی و حتی روش‌های آموزشی</p>	<p>- با توجه به رویکرد زمینه محور در طراحی آموزشی با تأکید بر عرصه‌های ارتباطی</p>	<p>بازنگری محتوا جهت همسوسازی با برنامه درسی ملی</p>	<p>توجه به محیط پیرامون، زیبایی‌ها و خالق آن‌ها و پرورش حس زیبا شناسی از جمله زیبا دیدن، زیبا گفتن، زیبا شنیدن، عمل زیبا انجام دادن</p>

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروس پایه ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری	- ارائه فعالیت‌های آموزشی متنوع - تنوع محیط یادگیری شامل (مدرسه، خانه و ...)	استفاده از محیط خانواده به عنوان فضای یادگیری	ارائه آموزش در فضای بیرون از مدرسه	تنوع بخشیدن به محیط‌های یادگیری (مدرسه/ خانه و ...) استفاده از بسته آموزشی	تنوع فضای یادگیری	تنوع فضاهای یادگیری (خانه، کوچه، تلویزیون، رسانه‌های گروهی)

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروس پایه‌ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
روش‌های تدریس و ارزشیابی جدید	استفاده از روش‌های فعال	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از روش‌های فعال - توجه به سبک‌های یادگیری - ارزیابی از خود - روش آموزش حرکت از کل به جز و بالعکس 	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر به کارگیری روش‌های هم‌بازی و مشارکتی 	<ul style="list-style-type: none"> - الگوی فرایند محور (معلم و فراگیر به صورت عملی در فرایند آموزش فعال می باشند) - تأکید بر ارزشیابی پیامد محور در برنامه 	<ul style="list-style-type: none"> به کارگیری راهبردهای یادگیری فعال در سازماندهی فعالیت‌ها در سازماندهی فعالیت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - به کارگیری راهبردهای یادگیری فعال در سازماندهی فعالیت‌ها - توجه به تفاوت‌های فردی - تنوع و تعدد منابع

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آنها در دروس پایه ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
کار و کارآفرینی و فناوری	توجه به زحمات کسانی که برای رفع نیازهای جامعه تلاش می‌کنند؛ از جمله مشاغل مرتبط با تولید نان	توجه به طرح فرش که نوعی ارجگذاری به کار و کارآفرینی است.	- توجه به مشاغل مختلف و ارزش‌گذاری به آنها	توجه به کار و فناوری در برنامه درسی علوم از جمله آشنایی با ابزارهای مورد نیاز در برخی از مشاغل و فضاها و مکان‌های مختص مشاغل مختلف		

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروس پایه ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
مهارت‌های زندگی	دریافت مفاهیم پیام‌های قرآنی در زندگی عملی	<p>- ارائه تم‌های آموزشی متنوع مانند قانون، دولت، روابط اجتماعی</p> <p>- به‌کارگیری ریاضی در محیط پیرامون</p>	<p>- ارائه فعالیت‌های آموزشی با تأکید بر مهارت‌های زندگی مثل انجام امور شخصی، ایفای نقش خود به عنوان عضوی از خانواده</p>	توجه به مهارت‌های زندگی در برنامه درسی علوم	توجه به شیوه‌های زندگی فعال / گذراندن اوقات فراغت	<p>- تمایل به ابراز احساسات با بیان هنری</p> <p>- برقراری ارتباط و مشارکت در فعالیت‌های گروهی</p> <p>- ترغیب به انجام فعالیت‌های روزمره</p> <p>- رعایت موارد بهداشتی و ایمنی در استفاده از وسایل</p>

محورهای عمده همسوسازی برنامه‌های درسی و چگونگی اعمال آن‌ها در دروس پایه ی اول ابتدایی

محورهای همسوسازی	قرآن	ریاضی	فارسی	علوم	تربیت بدنی	هنر
احیای فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	- آشنایی با نهادهای دینی مانند مسجد - بهره‌گیری از برخی نمادهای فرهنگ اسلامی از جمله رحل قرآن در سازماندهی فعالیت‌های یادگیری	ارئه نمونه‌هایی از فرهنگ ایرانی - اسلامی مانند فرش و معماری مساجد	شروع هر بخش با سخنان ائمه(ع) و بزرگان معصوم	استفاده از تصاویر مربوط به نقاط مختلف ایران از جنبه معماری، هنری و تاریخی		آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران و توجه به حفظ آن‌ها مانند مشاهده اماکن و آثار باستانی و هنری

نوع و میزان تغییرات دروس مختلف

نوع و میزان تغییراتی که در درس‌های مختلف پایه اول ایجاد شده، متفاوت است. در این مجموعه به اختصار به این تغییرات اشاره می‌شود. مطالب تفصیلی در مورد هر درس، در دوره‌های آموزش حضوری و نیز توسط سایر منابعی که در این زمینه تهیه شده، به اطلاع همکاران محترم می‌رسد.

برنامه درسی قرآن

- ارائه دروس در قالب جلسات آموزشی (هر درس در ۴ جلسه) به منظور تنظیم فعالیت‌های

یادگیری

- تغییر ساختار دروس :

ساختار درس‌های اول تا سوم (برای چهار جلسه) عبارتند از: گفتگو در مورد تصویر اول هر

درس، خواندن دسته جمعی شعر، پیام قرآنی، گوش دادن به قرائت و جمع‌خوانی سوره،

خواندن دسته جمعی شعر، پیام قرآنی و گفت‌وگو درباره موضوع پیام

ساختار درس‌های چهارم تا هفتم عبارتند از: گفتگو در مورد تصویر، خواندن دسته جمعی

شعر، خواندن کلمات و عبارات قرآنی، گوش دادن به قرائت و هم‌خوانی سوره، خواندن

دسته جمعی شعر، بخش‌خوانی کلمات و عبارات قرآنی و پیام قرآنی

- افزودن پیام‌های قرآنی و درک معنای آن‌ها به زبان کودکان و آموزش معنای برخی از کلمات ساده

و آشنایی با پیام‌های قرآنی

- ارائه داستان‌های قرآنی :

داستان از قرآن

داستان درباره قرآن

- ارائه فعالیت‌های آموزشی متنوع (نقاشی، کاردستی، شعر و نمایش خلاق و ...)

- تغییر در زمان شروع آموزش روخوانی که در برنامه جدید هفته اول دی ماه و البته مطابق با سیر آموزش خواندن حروف و کلمات فارسی است.

برنامه درسی فارسی

- کاهش محتوای کتاب به منظور آسان سازی دامنه یادگیری
- بازنگری محتوای کتاب در راستای همسوسازی برنامه درسی ملی
- تغییر خط کتاب درسی و کتاب کار فارسی
- افزایش محتوای مربوط به روان خوانی
- تغییر در برنامه پیشنهادی آموزش کتاب فارسی
- بازنگری فعالیت های آموزشی کتاب

برنامه درسی تربیت بدنی

- رویکرد قبلی برنامه کسب و حفظ سلامتی و تندرستی از طریق حرکت بوده که هم اکنون به حفظ و توسعه سلامتی، آموزش مهارت های حرکتی و ورزشی و آموزش شیوه های زندگی فعال و گذراندن صحیح اوقات فراغت دانش آموزان به تناسب اهداف هر دوره تحصیلی تغییر یافته است.
- بازنگری اهداف در سه حوزه دانش، مهارت و نگرش صورت گرفته است.
- راهبردهای یاددهی-یادگیری: روش تدریس از الگوی فرایند محوری تبعیت می کند که به صورت عملی معلم و فراگیر در فرایند آموزش فعال خواهند بود.
- راهبردهای ارزشیابی: ارزشیابی درس تربیت بدنی از نوع کیفی (توصیفی) چهار درجه ای خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیازمند آموزش و تلاش بیشتر خواهد بود.

برنامه درسی هنر

بر اساس دو محور یک سری فعالیت‌هایی در راستای برنامه درسی ملی تهیه شده است.

محور اول - توجه به عناصر الگوی هدف‌گذاری (تقویت تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق) و

توجه به عرصه‌های ارتباطی فرد در ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت)

محور دوم - توجه به صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک بر مفاهیم زیبایی و مهارت‌های

تفکر و خلاقیت (خلق یا تولید آثار هنری) در سراسر برنامه درسی هنر تأکید شده است.

برنامه درسی ریاضی

رویکرد حاکم بر این برنامه رویکرد فرهنگی - تربیتی با تأکید بر حل مسئله از طریق محور قرار

دادن یادگیرنده در بازسازی مستمر تجربه از راه مهارت‌های اکتشافی است. اصول رویکرد آموزشی

برنامه درسی ریاضی دوره ابتدایی عبارتند از:

۱- توجه به تواناییهای عقلانی در کودک (به عنوان پایه‌های ساخت شناختی)

۲- توجه به تفاوت‌های فردی در ابعاد جسمی، ذهنی و روانی (به منظور ارتباط تجربه و عمل

با سطح تجرد)

۳- برقراری ارتباط بین ریاضی و دنیای واقعی فراگیران (ایجاد انگیزه درونی)

۴- فعال نمودن دانش‌آموزان در جریان یاددهی - یادگیری از طریق حدسیه‌سازی

۵- ایجاد موقعیت‌های چالش برانگیز و هدایت دانش‌آموزان به یادگیری از طریق خوب دیدن،

خوب شنیدن و گفتن

۶- ایجاد شرایط مناسب به منظور بحث و بررسی و استدلال در رد یا تأیید نظرات خود و

دیگران

۷- فرصت مسئله‌سازی در بافت واقعی یا تخیلی به منظور تعمیم یافته‌ها به موقعیت‌های

جدید

سبک‌های یادگیری در برنامه درسی جدید عبارتند از:

سبک یادگیری کلامی: دانش آموزانی که استدلال ریاضی را مرحله به مرحله درک می‌کنند

و از جز به سمت کل حرکت می‌کنند جزو دانش‌آموزان با سبک یادگیری کلامی هستند.

سبک یادگیری تصویری: دانش آموزانی که از درک کل به سوی ادراکات جزئی حرکت

می‌کنند جزء دانش‌آموزانی هستند که سبک یادگیری ایشان تصویری می‌باشد .

سبک دست ورزی: دانش آموزانی که مفاهیم ریاضی را با ساخت اشکال و به کارگیری ابزار به

کار یاد می‌گیرند و مهارت‌های لازم را درک می‌کنند جزء دانش‌آموزان با سبک یادگیری

دست ورزی هستند .

ساختار محتوایی برنامه عبارت است از:

• شمارش

• الگوهای عددی و الگوهای هندسی

• حل مسئله

• اندازه گیری

• محاسبات

• زمان

• آمار

برنامه درسی علوم

آنچه که از برنامه قبلی علوم حفظ شده، عبارت است از:

- حفظ رویکرد فعال یاددهی- یادگیری: توجه به نقش تولید مفهوم برای دانش‌آموزان به عنوان محور یادگیری

- حفظ بخش عمده‌ای از ابعاد محتوایی برنامه (دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های ضروری)

- تأکید بر رویکرد ارزشیابی در خدمت یادگیری (ارزشیابی توصیفی، ارزشیابی عملکردی و...)

ابعاد جدید و مورد تأکید برنامه درسی علوم تجربی دوره ابتدایی عبارت است از:

- ۱- هدف آموزش علوم، کسب شایستگی یادگیری سواد علمی فناورانه است نه دریافت مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها:

کسب شایستگی منوط به تجربه شخصی یادگیری است. تجربه کردن شخصی یادگیری منوط به قرار گرفتن در موقعیت یادگیری است. موقعیت یادگیری موقعیتی است که دانش‌آموز با به‌کارگیری هم‌زمان دانش، مهارت و نگرش‌های خویش، به یادگیری جدید می‌پردازد.

- ۲- انتخاب رویکرد زمینه محور (تماتیک) در طراحی آموزشی

در این رویکرد موضوع هر درس یک زمینه یادگیری (تم) است و موضوع هر درس (تم) باید دارای چهار مشخصه باشد:

- ارتباط با زندگی
- قابلیت عمق بخشی
- دارا بودن انسجام درونی در موضوعات درونی
- دارا بودن بازوهای اتصال به موضوعات بیرونی

در دروس جدید دانش‌آموز دربارهٔ موضوع درس هم‌زمان به یادگیری و یاددهی می‌پردازد و فضای یادگیری، فضای کسب شایستگی یادگیری از طریق کار روی موضوع درس (تم) است.

۳- تولید بستهٔ آموزشی به جای کتاب درسی

بخش سوم

طراحی آموزشی

براساس

نقش رهبری آموزشی مدیران

مدیریت چیست؟

مدیریت دانش و هنر به کارگیری تمام منابع سازمانی، اعم از مادی و انسانی برای کمک به تحقق اهداف سازمان به روش مطلوب است. این کار از طریق فرایند مدیریتی انجام می‌گیرد که عمدتاً شامل فعالیت‌های برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، انگیزش و کنترل می‌باشد. فعالیت‌های مدیران را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

برنامه‌ریزی: اتخاذ تصمیم درباره هدف‌ها و مقاصد سازمان و تهیه راه‌های وصول به آن؛

سازمان‌دهی: تعیین فعالیت‌ها و تخصیص مسئولیت‌ها برای دستیابی به برنامه‌ها؛ هماهنگ کردن فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها در یک ساختار مناسب؛

پشتیبانی: این فعالیت شامل ابعاد سه‌گانه پشتیبانی آموزشی، روانی عاطفی (تأمین نیازهای اجتماعی و روانی کارکنان به منظور تحقق هدف‌های سازمانی) و فنی و تدارکاتی می‌باشد؛

کنترل: نظارت و ارزیابی فعالیت‌ها و تأمین مکانیزم‌های اصلاحی.

اگر چه این طبقه‌بندی همه اجزای تشکیل‌دهنده مدیریت را بیان نمی‌کند، لیکن جنبه‌های کلیدی کار مدیران را در عمل نمایان می‌سازد. این طبقه‌بندی بر نقش رهبری مدیر تأکید دارد.

مدیریت همسوسازی اجرای برنامه‌های درسی با برنامه درسی ملی

تغییرات در یک سازمان پیوستاری از تغییرات معرفتی، تغییرات گرایشی، تغییرات رفتار فردی، تغییرات عملکرد و رفتار گروهی یا سازمانی است. همسوسازی اجرای برنامه‌های درسی با برنامه درسی ملی سطحی از این تغییرات را به طور همزمان در سازمان‌های آموزش و پرورش و مدارس در پی دارد. چرخه‌های تغییر می‌تواند مشارکت‌جویانه یا اجباری باشد. همان‌طور که در فرایند تولید برنامه درسی ملی ذکر شد، فرایند

تولید این برنامه یک فرایند مشارکت‌جویانه بوده است. رعایت اصل مشارکت به عنوان یکی از اصول حاکم بر برنامه در سطوح بعدی برنامه‌ریزی، طراحی و تولید و اجرای برنامه تا سطح مدرسه و کلاس درس مورد انتظار است. لذا برنامه درسی ملی وظایف و نقش‌های جدیدی را برعهده مدیران در سطوح مختلف سازمانی می‌گذارد و مطالبات جدیدی را مطرح می‌نماید. با عنایت به برنامه درسی ملی می‌توان پاره‌ای از ویژگی‌های مدیران را به شرح زیر مورد تأکید قرار داد:

- مدیر رهبر آموزشی و تربیتی است.
 - مدیر مدرسه در سازماندهی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از اختیارات کافی برخوردار است.
 - مدیر مدرسه در مقام راهنمای آموزشی و تربیتی به معلمان، مربیان، متریان و اولیای دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری کمک می‌کند.
 - مدیر مدرسه مسئول برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی متریان برای زمان رسمی تربیت است.
 - مدیر مدرسه در کنار معلم، تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز یادگیری است و در این خصوص مسئولیت دارد.
 - مدیر تسهیل‌کننده موقعیت‌های آموزشی و پرورشی است. مدیر در اداره امور مدرسه و برقراری روابط صحیح، عاطفی و مثبت بین کارکنان و مربیان با متریان نقش دارد. وی باید با ایجاد کردن محیطی آکنده از صمیمیت موجب شود تا معلم با دلگرمی و آرامش به فعالیت‌های آموزشی و تربیتی ادامه دهد.
- این وظایف ویژگی‌های نقش رهبری در مقایسه با مدیریت آموزشی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ لذا شایسته است تمایز ویژگی‌های مدیران و رهبران آموزشی به طور مختصر مورد بحث قرار گیرد. مفهوم مدیریت^{۱۰} و ویژگی‌های مشترکی با دو اصطلاح مشابه رهبری^{۱۱} و اداره کردن^{۱۲} دارد.

^{۱۰}. Management

^{۱۱}. Leadership

متغیرهای عمده‌ای که مدیر باید با آن‌ها دست و پنجه نرم کند، عبارتند از^{۱۳}:

الف- انسان‌ها

ب- کار و ساختارها

ج- سیستم‌ها و دستورالعمل‌ها

نمی‌توان به صورت مجزا به این متغیرها پرداخت، بلکه باید آن‌ها را در چارچوب محیط مشاهده کرد. به نظر "هندی"، این محیط دارای سه جزء حیاتی است:

الف- هدف‌های سازمان

ب- تکنولوژی موجود

ج- فرهنگ سازمان (ارزش‌ها، اعتقادات و غیره) [تئوری‌ها و فرایند مدیریت، ص ۲۸]

این عوامل، با یک‌دیگر در تعامل هستند، تغییر در یکی از آن‌ها، موجب تغییر در یک یا تعداد بیشتری از عوامل خواهد شد. مدیریت موفق، باید در این عوامل، چنان تعادلی ایجاد کند که با نیازهای مناسب سازمان در یک موقعیت زمانی، همخوانی داشته باشد. [تئوری‌ها و فرایند مدیریت، ص ۲۹]

در حال حاضر «اداره کردن» به عنوان فعالیت محدودتر تدوین و نگهداری دستورالعمل‌ها تلقی می‌شود. به بیان دیگر به عنوان یکی از جنبه‌های سازمان‌دهی در نظر گرفته می‌شود. مدیریت دیگر به عنوان تنها عامل کنترل در سازمان‌ها تلقی نمی‌شود. بلکه بیش‌ترین قسمت این نقش، بر عهده کارکرد سازمان است. این وظیفه باید با در نظر گرفتن توازن مناسب، بین فشارهای متنوع و اغلب متضاد کار در سازمان، سازگاری یابد تا تغییر مقاصد سازمانی را تعریف و اجرا کند. [تئوری‌ها و فرایند مدیریت، ص ۲۵]

^{۱۳}. Administration

^{۱۴} Handy. Understanding Organizations, Penguin, ۱۹۷۶

رهبری عبارت است از هنر یا فرایندی که با نفوذ کردن در افراد، آنان را به طور داوطلبانه و راغبانه در راستای وصول به اهداف گروه به تلاش وامی‌دارد. رهبری عمیقاً با رفتار پیوند دارد. رهبری در کار سازمانی فرآیندی انسانی است. به عنوان یک تعریف عملیاتی می‌توان گفت «رهبری در گروه، فرایند پویایی است که توسط آن، یک نفر دیگران را آن‌چنان تحت نفوذ و تأثیر قرار می‌دهد که آن‌ها داوطلبانه در دستیابی به وظیفه‌های گروه، در یک موقعیت داده شده، مشارکت کنند». [تئوری‌ها و فرایند مدیریت، ص ۳۳۹]

عوامل اصلی در معادله رهبری عبارتند از:

رهبر [شخصیت، مهارت و غیره]

وظیفه یا هدف گروه

فرودستان [مهارت‌ها، انگیزش و غیره]

محیط یا موقعیت [تئوری‌ها و فرایند مدیریت، ص ۳۵۲]

سه نوع مهارت لازم است تا مدیران بتوانند سبک‌های رهبری (چگونگی رفتار رهبر برای تأثیرگذاری بر عملکرد دیگران) را به کار گیرند:

۱- استفاده از روش‌های مختلف رهبری و انعطاف داشتن در به کارگیری آن‌ها

۲- تشخیص نیازهای افراد تحت سرپرستی خود

۳- توافق با افراد زیردست خود در مورد اعمال شیوه رهبری‌ای که مناسب تشخیص داده است.

متغیرهای کلیدی رهبری

نظر به حاکمیت رویکرد «فطرت گرایی توحیدی» در برنامه درسی ملی و مفاهیم مرتبط با آن از

جمله «رشد» و «هدایت» (گزاره‌های ۱/۸/۲، ۱/۸/۳، ۱/۸/۴/۴ و ۱/۸/۴/۶)، برای واژه‌های «رهبری و

مدیریت» در فرهنگ اسلامی می‌توان از دو واژه راهنمایی و رشد نیز استفاده کرد؛ هم‌چنان‌که شهید مطهری معتقد است در مصطلحات اسلامی قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد و قدرت مدیریت همان رشد است. [سبک رهبری امام خمینی (قدس سره)، ص ۱۳]

توانایی‌ها و ویژگی‌های مدیران و رهبران آموزشی

بین پاره‌ای از خصوصیات روانی و ارتباط آن با توفیق در رهبری آموزشی همبستگی قابل توجهی وجود دارد. خصایصی نظیر اخلاق و خوش برخوردی، اعتماد به نفس، اراده قوی، قدرت بیان، نکته‌سنجی، نشاط و حرارت، ابتکار و خلاقیت، هوش و استعداد رهبری در موفقیت مدیران آموزشی مؤثر می‌باشد. مدیران و رهبران آموزشی موفق:

- دارا بودن مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی در زمینه مدیریت
- آشنایی با فنون و روش‌های کشف استعدادهای دیگران و توانایی بهره‌گیری از توانمندی آن‌ها در راستای تحقق اهداف سازمان
- توانایی برقراری ارتباطات انسانی مناسب با دیگران و ارتقای انگیزه لازم در کارکنان واحد آموزشی جهت افزایش بهره‌وری سازمانی
- توانایی ارزشیابی از فعالیت‌های خود و دیگران
- توانایی ایجاد تغییر در فرهنگ آموزش
- توانایی فراهم کردن زمینه حرکت به سوی آموزش یادگیری - محور
- توانایی ایجاد محیط یادگیری بازتر، با تنوع بیشتر و دسترسی عادلانه‌تر (انتقال از تفکر مدرسه سنتی با تدریس سنتی به تفکر همه جا مدرسه، با رویکرد یاددهی - یادگیری)
- تدارک محیط مبتنی بر استقلال بیشتر یاددهنده و یادگیرنده
- توانایی تسهیل ارتباط و تعامل بین مربی، متربی، اولیا و سازمان
- باور به نقش محوری مربی در فرایند یاددهی - یادگیری و اهمیت دادن به آن در عمل

تمرین عملی

به گزاره زیر توجه کنید:

۳/۲/۳- زمان رسمی شامل دو نوع رسمی و غیررسمی است. زمان رسمی تربیت به دو بخش کلاسی و غیرکلاسی تقسیم می‌شود.

اجرای عملی این گزاره چه وظایفی را برای هر یک از سطوح مدیریتی ایجاب می‌کند. به نمونه‌ای از آن‌ها توجه کنید.

ملاحظات	شرح	گزاره‌ها / وظایف
	هدف: استفاده از محیط‌های یادگیری متنوع در ساعات غیرکلاسی (استان، منطقه، مدرسه)	برنامه‌ریزی
	- شناسایی نیازها، امکانات، استعدادهای بالقوه محیطی (استان، منطقه، مدرسه) - سیاست‌گذاری در انتخاب اولویت‌ها، تخصیص منابع و ... -	سازماندهی
	- آموزش عوامل دست‌اندرکار - ایجاد انگیزه در منابع انسانی - پشتیبانی مالی، تدارکاتی و ... -	پشتیبانی
	نظارت و ارزیابی از اقدامات و تهیه گزارش با ساختار مشخص	نظارت و ارزیابی

فعالیت کلاسی:

شرکت‌کنندگان به گروه‌های همگن (گروه کارشناسان استان - گروه کارشناسان مناطق - گروه مدیران مدرسه) تقسیم شده، هر گروه بخشی از محتوای برنامه درسی ملی را مطالعه نموده و وظایف خود بر حسب

سطح مدیریت و انتظارات جدید از مدیران را استخراج و در جدول زیر بر حسب نقش‌های چهارگانه برای سال تحصیلی سال جاری تبیین نمایند .

ملاحظات	شرح	گزاره‌ها وظایف
		برنامه‌ریزی
		سازماندهی
		پشتیبانی
		نظارت و ارزیابی

منابع و مآخذ

- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، نگاشت چهارم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۹.
- جزوه محتوای آموزش غیرحضوری معلمان پایه اول ابتدایی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تیر ۱۳۹۰.
- سند تحول راهبردی آموزش و پرورش
- قریشی، سعید. جزوه حدود و میزان همسوسازی برنامه‌های درسی پایه اول ابتدایی، ۱۳۸۹.
- علاقه‌بند، علی. مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات
- کی. جی. ای. تئوری‌ها و فرایند مدیریت. ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- شفیعی، عباس. سبک رهبری امام خمینی (قدس سره). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- ضمیمه رشد آموزش ابتدایی، دوره ۱۵، مهر ماه ۱۳۹۰.